



نسخه برداری از فرمان‌ها و عریضه‌ها:

# دریچه‌ای به تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار<sup>۱</sup>

آصف اشرف<sup>۲</sup>

مترجمان: فرشید نوروزی<sup>۳</sup>، حمیدرضا آریان‌فر<sup>۴</sup>

کلیدواژه‌ها:  
ایران، قاجار، تاریخ  
سیاسی، منابع

این مقاله با بررسی دودست‌نوشته که شامل مجموعه‌ای از فرمان‌ها، عریضه‌ها و نامه‌های به‌جامانده از دوره قاجار در ایران هستند، به چگونگی حکومت‌داری در آن دوره می‌پردازد. ابتدا این دو دست‌نوشته معرفی می‌شوند و سپس به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود: چه کسانی و به چه دلیلی این دست‌نوشته‌ها را رونویسی کرده‌اند؟ محتوای این مجموعه‌ها پیش از آنکه گردآوری شوند، چگونه در جامعه قاجاری رواج داشته و این رواج چه چیزی درباره آن دوره به ما می‌گوید؟ این مقاله با تمرکز بر شیوه‌های ثبت و بازتولید اسناد در بافتار اداری و اجتماعی قاجار، به ما نشان می‌دهد که چگونه بازیگران مختلف، از دبیران دیوانی گرفته تا کارگزاران محلی، در فرایند تولید و نگهداری این دست‌نوشته‌ها نقش داشته‌اند. همچنین، بررسی این دست‌نوشته‌ها نه تنها محتوای فرمان‌ها و عریضه‌ها را روشن می‌سازد، بلکه امکان فهم مناسبات قدرت، شبکه‌های ارتباطی، و زبان رایج در تعاملات دیوانی را نیز فراهم می‌کند. در پایان، مقاله نشان می‌دهد که چگونه چنین مجموعه‌های دست‌نویسی، راه‌های تازه‌ای را برای پژوهش در تاریخ سیاسی قاجار می‌گشایند و افق‌های نوینی را برای فهم تجربه دولت‌داری در ایران پیشامدرن فراهم می‌سازند.

**استناد:** اشرف، آصف. (۱۴۰۴). نسخه برداری از فرمان‌ها و عریضه‌ها: دریچه‌ای به تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار. (فرشید نوروزی و حمیدرضا آریان‌فر، مترجمان). آرشيو ملي، ۸(۱)، ۷۱-۹۴.

## ۱. مقدمه

تحلیل انتقادی دست‌نوشته‌ها و منابع آرشیوی، حوزه مطالعاتی غنی و متنوعی در تاریخ خاورمیانه است. با این وجود، با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ایران، دودسته کلی پدیدار می‌شود. از یک سو، پژوهش‌هایی قرار دارند که بر محتوای اصلی مواد مستند تأکید می‌کنند. بخشی از

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:  
Ashraf, A. (2019). "Copied and Collected: Firmans, Petitions, and the Political History of Qajar Iran". Brill, Journal of the Economic and Social History of the Orient 62, 963- 997. <https://doi.org/10.17863/CAM.39479>  
۲. دانشیار، دیارنمان مطالعات خاورمیانه و ایران، دانشگاه کمبریج، بریتانیا  
aa2098@cam.ac.uk  
۳. دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.  
Farshidnorozi20@gmail.com  
۴. استادیار، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران  
aryanfar@iranology.ir

1. B. G. Fragner, "Farmān," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2016,

در دسترس در: <http://www.iranicaonline.org/articles/farman>

همچنین بنگرید به: «Farmān» by multiple authors, *Encyclopædia of Islam, Second Edition*.

برای مطالعه‌ای مقدماتی درباره اسناد تاریخی، بنگرید به: قائم مقامی، جواد.

(۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انجمن آثار ملی؛

Rajabzāda, H., & Eura, K. (Eds.). (1999). *Sixty Persian Documents from the Qajar Period: Agricultural Land Transactions* [Shast Sanad-i Fārsā az Dawra-yi Qājār: Muāmalāt-i Arāzī-yi Kishavarzī]. Tokyo:

Institute for the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa; Rajabzāda, H., & Haneda, K. (Eds.). (1997). *Fifty-Five Persian Documents from the Qajar Period* [Panjāh va Panj Sanad-i Fārsā az Dawra-yi Qājār]. Tokyo:

Institute for the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa;

کتاب تازه‌تری از علی سام به طور کامل به فرمان‌نویسی در اوایل دوره قاجار اختصاص دارد؛ هرچند تمرکز اصلی این اثر بیشتر بر قالب و ساختار فرمان‌هاست تا محتوای آن‌ها؛ سام، علی. (۱۳۹۲). بررسی فرمان‌نویسی دوره اول قاجار. تهران: انتشارات کنگ

زین؛ برای آشنایی مقدماتی با اسناد شرعی، بنگرید به: *Omid Rīzā ī, Dar Āmadr bar Asnād-i Shar T-yi Dawra-yi Qājār* (Tokyo: Institute for the Study of Languages and Cultures

این پژوهش‌ها بر ویژگی‌ها و خصوصیات فیزیکی خود منابع تمرکز دارند: نوع کاغذ استفاده شده، مهرها، نشان‌ها و عبارات آغازین اسناد، نحوه قرارگیری متن روی کاغذ، ساختار متن، اصطلاحات و عبارات رایج موجود در متن.<sup>۱</sup> دسته‌ای دیگر از این پژوهش‌ها، انواع منابع کمتر شناخته شده یا کمتر استفاده شده را معرفی می‌کنند و اطلاعات و داده‌هایی را که این منابع در خود دارند، برجسته می‌سازند.<sup>۲</sup> ایده کلی دسته دوم پژوهش‌ها که گاهی به شکل یک استدلال صریح بیان می‌شود، این است: اگر مورخان بیشتری از داده‌های تجربی موجود در این منابع استفاده می‌کردند، درک جمعی ما از دوره زمانی مربوطه تغییر می‌کرد.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، پژوهش‌هایی هم وجود دارند که به بررسی چگونگی تولید و حفظ اسناد تاریخی می‌پردازند. در این زمینه، پژوهشگران ایرانی پیشرو بوده‌اند، شاید به این دلیل که به‌طور طبیعی درگیر جمع‌آوری، تحلیل و فهرست‌نویسی منابع آرشیوی و مجموعه‌های دست‌نویس بوده‌اند. برای نمونه، می‌دانیم که ریشه کتابخانه مجلس، یکی از مهم‌ترین مراکز پژوهشی ایران، به سال ۱۹۰۹ م/۱۲۸۷ ش برمی‌گردد؛ زمانی که دومین دوره مجلس شورای ملی، تأسیس کتابخانه‌ای ملی برای نگهداری کتاب‌ها و نسخه‌های خطی نفیس را پیشنهاد کرد. همچنین می‌دانیم که شماری از مجموعه‌های شخصی، نخستین بخش از منابع این کتابخانه را در هنگام گشایش آن در سال ۱۹۲۵ م/۱۳۰۳ ش. فراهم آوردند.<sup>۴</sup> فهرست‌های کتابخانه‌های بزرگ ایران، از جمله کتابخانه‌های واقع در تهران، مشهد، قم و تبریز، به‌همراه مقدمه‌هایی که بر مجموعه‌های دست‌نویس و اسناد آرشیوی منتشر شده نگاشته شده‌اند و اغلب به منشأ و پیشینه این منابع می‌پردازند، اطلاعاتی مفید و ارزشمندی درباره تاریخ گردآوری و شیوه‌های سازمان‌دهی منابع در کتابخانه‌ها و آرشیوهای برجسته کشور فراهم می‌کنند.

یکی از نکاتی که از مطالعه این فهرست‌ها مشخص می‌شود، پراکندگی منابع در ایران، به‌ویژه اسناد دولتی پیش از قرن بیستم است. کتابخانه مجلس، آرشیو ملی ایران، کتابخانه ملی ملک و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، اسنادی از حکومت‌های پیش از قرن بیستم ایران را در خود جای داده‌اند، اما هیچ‌کدام از این نهادها به‌تنهایی، مثلاً، آرشیو کاملی از اسناد دولتی دوره صفوی را ندارند. آرشیوهای صفوی، اگر اصلاً وجود داشته‌اند، یا نابود شده‌اند یا از بین رفته‌اند.<sup>۵</sup> و اگرچه احتمالاً در دربار قاجار «اتاق اسنادی» برای نگهداری مواد آرشیوی وجود داشته، بیشتر این مواد اکنون پراکنده‌اند.<sup>۶</sup> این وضعیت را با آرشیو عثمانی دفتر نخست‌وزیری (Başbakanlık Osmanlı Arşivi) مقایسه کنید که محل اصلی نگهداری اسناد دولتی عثمانی از ابتدای شکل‌گیری این امپراتوری است. در ایران، نهاد مشابهی وجود ندارد.

نبود یک آرشیو مرکزی واحد برای نگهداری اسناد دولتی پیش از قرن بیستم، چالش‌هایی را برای پژوهش‌های تاریخی درباره ایران ایجاد کرده است. مورخان معمولاً درباره این موضوع بحث می‌کنند که کمبود یا فقدان منابع، چه نوع پژوهش‌های تاریخی را ممکن می‌سازد.<sup>۷</sup> برای مثال، نبود آرشیو مشخصی از دوره صفوی، گاهی بحث‌های جدی‌ای را درباره چگونگی نوشتن تاریخ این



of Asia and Africa, 1387  
Sh. / 2008-09):

در خصوص اسناد فروش،  
بناگردد به:

Werner, C. (2003).  
"Formal Aspects of

Qajar Deeds of Sale.

" Persian Documents:

Social History of Iran and

Turan in the Fifteenth to

Nineteenth Centuries ed.

N. Kondo (London: Rout-

ledge, 2003): 13-49;

و نیز

Kondo, N. (2014). "The

Lives of Qabālahs:

Annotation, Transcription

and Registration of

Documents in Early

Modern Iran". *Lecteurs*

et copistes dans les

traditions manuscrites

iraniennes, indiennes

et centrasiatiques, (N.

Balbir and M. Szuppe,

eds.). *Eurasian Studies*

12: 561-75.

۲. فرمان‌هایی از دوره‌های

مختلف تاریخ ایران در

مجموعه‌های ویرایش‌شده یا

در نشریات علمی فارسی‌زبان

مانند بررسی‌های تاریخی و

یغما منتشر شده‌اند. برای

نمونه‌هایی از این اسناد،

بناگردد به: ناصحی، م.

(ویراستار). (۱۳۶۵). اسناد

و مکاتبات تاریخی ایران:

دوره افشاریه. رشت: جهاد

دانشگاهی دانشگاه گیلان؛

ناصری، م. (ویراستار).

(۱۳۶۶). اسناد و مکاتبات

تاریخی ایران: قاجاریه. تهران:

انتشارات کیهان؛ نوایی، ع

(ویراستار). (۱۳۴۲). اسناد

و مکاتبات تاریخی ایران: از

تیمور تا شاه اسماعیل.

تهران: انتشارات بنگاه

ترجمه و نشر کتاب؛ نوایی،

ع. (۱۳۶۸). نادرشاه و

بازماندگانش؛ همراه با

دوره برمی‌انگیزد.<sup>۸</sup> مسائل مربوط به روش‌شناسی و چگونگی نگارش تاریخ ایران، هرچه به گذشته دورتر می‌رویم و تعداد منابع کمتر می‌شود، پیچیده‌تر می‌شوند.<sup>۹</sup> با اینکه این بحث‌ها از نظر علمی ارزشمندند، اما معمولاً بر این پیش‌فرض استوارند که آرشیوها صرفاً محل نگهداری واقعیت‌های تاریخی و منابع بی‌طرف‌اند و این پیش‌فرض کمتر مورد پرسش قرار می‌گیرد و این امر باعث می‌شود که توجه کمتری به تحلیل انتقادی خود آرشیوها و رابطه آن‌ها با قدرت سیاسی شده باشد؛ رابطه‌ای که آن استولر از آن با تعبیر «روابط قدرتی... که بر آرشیوها حک شده‌اند» یاد می‌کند.<sup>۱۰</sup> این بحث‌ها اغلب این نکته را نادیده می‌گیرند که در واقع، مورخان تاریخ ایران از روش‌ها و رویکردهای تاریخی گوناگونی استفاده کرده‌اند؛ دشواری‌های کار با آرشیوها در ایران، صرفاً مورخان را وادار می‌کند تا به شیوه‌های خلاقانه و نوآورانه از منابع موجود بهره ببرند.

این مقاله، با هدف استفاده نوین و متفاوت از منابع، بر دو مجموعه (مجموعه) از منابع متمرکز است. هر دو مجموعه، دست‌نوشته‌هایی<sup>۱۱</sup> هستند که حاوی رونوشت‌هایی از فرمان‌ها، عریضه‌ها، نامه‌ها (مراسله) و سایر مکاتبات دوره قاجار<sup>۱۲</sup> هستند که در دیوان‌های ولایتی (دیوان یا دیوان‌خانه) - یکی در نخجوان و دیگری در بروجرد - نگهداری می‌شدند.<sup>۱۳</sup> این دو دست (که از این پس به نام خانواده‌هایی که به عنوان منشی در دیوان‌های نخجوان و بروجرد خدمت می‌کردند، نسخه‌های کنگرلو و قدیمی نامیده می‌شوند) نمونه‌های خوبی از رویه‌ای گسترده‌تر برای رونویسی و گردآوری منابع در قالب دست‌نوشته‌های صحافی‌شده هستند که برخی از آن‌ها به صورت دست‌نوشته باقی مانده‌اند و برخی دیگر منتشر شده‌اند.<sup>۱۴</sup>

دست‌نوشته‌هایی از این دست که در فارسی به عنوان «مجموعه» یا «جنگ» شناخته می‌شوند، نوع نسبتاً شناخته‌شده‌ای از منبع هستند.<sup>۱۵</sup> سودمندی آن‌ها برای پژوهش‌های تاریخی، به دلیل اطلاعات تجربی موجود در آن‌ها و به‌ویژه برای تاریخ اقتصادی و اجتماعی، مدت‌هاست که مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۱۶</sup> هر دو نسخه کنگرلو و قدیمی اکنون در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شوند و به عنوان منبع برای پژوهش‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.<sup>۱۷</sup>

این مقاله قصد دارد این منابع را نه فقط به عنوان داده، یا برای تاریخ اجتماعی، بلکه به عنوان دریچه‌ای برای فهم حکمرانی اوایل قاجار بررسی کند. از آنجا که فرمان‌ها، عریضه‌ها و نامه‌های موجود در این دست‌نوشته‌ها، رونوشت‌هایی هستند که متن مکتوب منابع را رونویسی می‌کنند، اما ظاهر فیزیکی یا ترتیب آن‌ها را بازسازی نمی‌کنند، برای علاقه‌مندان به مهربا، نشان‌ها یا صفحه‌آرایی متن، کاربرد مستقیم ندارند. در واقع، نبود این ویژگی‌ها این پرسش را پیش می‌کشد که وقتی مثلاً ده‌ها فرمان در یک دست‌نوشته صحافی‌شده رونوشت می‌شوند، چه چیزی از دست می‌رود؟ این پرسشی است که در ادامه بررسی خواهد شد. با این حال، تمرکز روی پرسش‌های دیگری خواهد بود که عموماً در تاریخ قاجار نادیده گرفته می‌شوند: چه کسانی این منابع را رونوشت کرده‌اند و چرا؟ فرمان‌ها، عریضه‌ها و مکاتبات در ایران قاجار چگونه گردش می‌کردند؟ گردش این منابع درباره ماهیت حکومت قاجار چه چیزی به ما می‌گوید؟

نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری. تهران: ژئین: کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۴۹). «چند فرمان تاریخی»، بررسی‌های تاریخی ۲۹، ۱۹۰-۱۷۷؛ همچنین همان شماره: ۱۵۳-۱۷۶؛ کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۵۰). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی ۳۱، ۱۹۲-۱۷۷؛ عبداللهی، عبدالله. (۱۳۵۰). «چند فرمان تاریخی»، بررسی‌های تاریخی ۳۷، ۲۸۴-۲۷۷؛ اصلبی، سوسن. (۱۳۸۱). «ده فرمان از تاریخ فتحعلی‌شاه». تاریخ ۳، ۱۱۰-۹۱.

۳. برای استدلال‌هایی در این زمینه بنگرید برای نمونه به: اصلبی، ده فرمان از تاریخ فتحعلی‌شاه. صص ۹۲-۹۳.

۴. برای اطلاع از تاریخچه کتابخانه مجلس بنگرید به: (۱۳۷۵). تاریخچه کتابخانه مجلس، اولین کتابخانه رسمی کشور. تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. Herzog, E.M. (1992). "The Volume of Iranian Raw Silk Exports in the Safavid Period." *Iranian Studies*. 25/1-2: 61. Mahdavi, A. (1983). "The Significance of Private Archives for the Study of the Economic and Social History of Iran in the Late Qajar Period." *Iranian Studies* 16/3-4: 243.

۷. افسانه نجم‌آبادی نقل می‌کند که از یکی از مورخان ایرانی شنیده که ادعا می‌کرده به دلیل کمبود منابع نمی‌توان درباره تاریخ زنان در دوره قاجار تحقیق کرد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: Najmabadi, Afsaneh. (2005). *Women with*

بررسی چنین پرسش‌هایی، که این مقاله به‌هیچ‌وجه ادعای پاسخگویی قطعی به آن‌ها را ندارد و تنها آغازگر پاسخ به آن‌هاست، موجب روشن‌تر شدن فرهنگ‌های مستندسازی می‌شود و در نهایت می‌تواند به فهم بهتری از نحوه عملکرد حکومت قاجار منجر شود.<sup>۱۸</sup> دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، و دیگر مجموعه‌های مشابه آن‌ها، ردپایی کاغذی از نظام حکمرانی در دوره قاجار ارائه می‌دهند. تولید فرمان‌ها نتیجه کار مردان و خانواده‌هایی بود که در دیوان‌های دوره قاجار خدمت می‌کردند. سپس فرمان‌ها توسط پیک‌ها به گیرندگان موردنظرشان رسانده می‌شدند. برعکس، عریضه‌ها در جاهایی مانند نخجوان نوشته می‌شدند و توسط پیک‌ها به تبریز یا تهران، جایی که حاکمان قاجار مستقر بودند، حمل می‌شدند. در نهایت، استفاده گسترده‌تر از این منابع ممکن است به نگارش تاریخ‌های سیاسی‌ای منجر شود که بیشتر بر جامعه تأکید دارند و تصاویری کامل‌تر و جامع‌تر از دولت قاجار ارائه می‌دهند؛ تصاویری که در مقایسه با آنچه بر نهاد سلطنت، ساختار قبیله‌ای قاجارها، یا دفاتر سیاسی و اداری دوره قاجار تأکید دارند، به ارائه تصویری چندبعدی و جامع‌تر از دولت قاجار کمک می‌کنند.<sup>۱۹</sup>

## ۲. دست‌نوشته‌ها: مجموعه‌های کنگرلو و قدیمی

مجموعه‌ها چه هستند؟

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی هر دو مجموعه‌ای از رونوشت‌ها (سواد) از فرمان‌ها، عریضه‌ها، نامه‌ها و سایر مکاتبات هستند. این رونوشت‌ها صرفاً خلاصه فرمان‌ها یا عریضه‌ها نیستند، بلکه رونویسی کامل متن از منابع اصلی‌اند. دست‌نوشته کنگرلو ۱۱۸ برگ دارد و شامل بیش از ۲۰۰ قطعه مکاتبه ردویدل شده بین مقامات مختلف قاجار و اعضای جامعه قبیله‌ای کنگرلو در نخجوان در طول قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم است. درباره ترتیب مطالب، منابع موجود در دست‌نوشته تقریباً به ترتیب زمانی مرتب شده‌اند؛ به طوری که قدیمی‌ترین فرمان مربوط به دوره نادرشاه و جدیدترین آن مربوط به شعبان ۱۲۶۶ هجری قمری / ژوئن ۱۸۵۰ است (اگرچه فقط یک فرمان از این تاریخ متأخر وجود دارد، و با حذف آن مورد پرت، جدیدترین فرمان‌ها مربوط به سال ۱۸۲۸، سال پایان جنگ دوم ایران و روسیه است).<sup>۲۰</sup> میرزا علی بیگ، گردآورنده دست‌نوشته کنگرلو، با زبان خود زمینه‌های تولید دست‌نوشته اصلی را توضیح می‌دهد. (شکل ۱ را ببینید):

نگارنده این سطور (راقم حروف) [میرزا] علی بیگ، فرزند میرزا اسماعیل، [و] ساکن شهر نخجوان [است].<sup>۲۱</sup> من از زمان ورود و سپس خروج ایشپاخ‌دور [یعنی ژنرال روسی پاول سیسیانوف] در ایروان بودم. من تاریخی (تاریخ) از تمام وقایع آن زمان نوشته‌ام - از آغاز سلطنت آقامحمدشاه<sup>۲۲</sup> و ورود او به گرجستان (گرجستان)؛ تا کشتار، غارت و اسارت ساکنان گرجستان؛ و فرار فرماندار الکساندر میرزا به سن‌پترزبورگ؛ و قتل سیاسی آقامحمدشاه در ارگ شوشی قره‌باغ به دست دو نفر از ملازمانش؛ و سلطنت فتحعلی‌شاه، و نیابت سلطنت پسرش عباس میرزا؛ و رسیدن به سلطنت،



Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity. Berkeley and Los Angeles: University of California Press: 1.

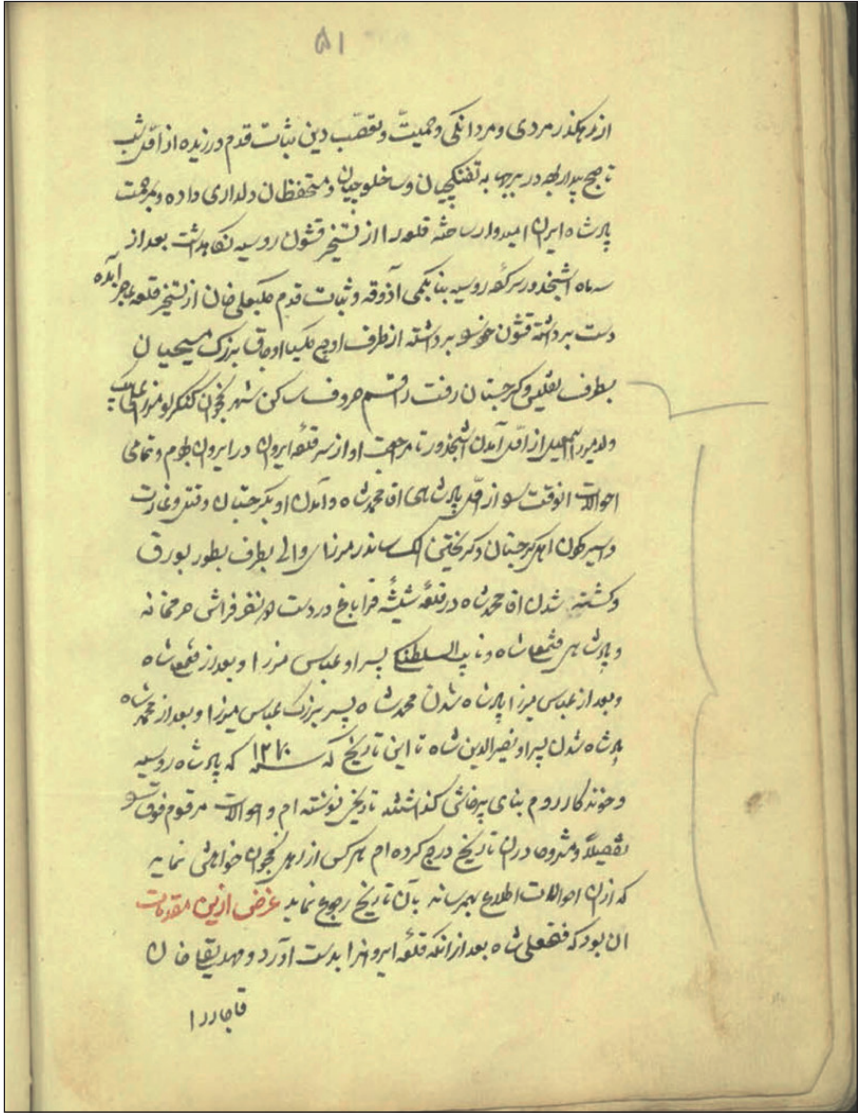
۸. برای نمونه به نقد Kioumars Ghareghlou Persia in Crisis: Safavid Decline and the Fall of Isfahan نوشته Rudi Matthee، پاسخ Matthee آن نقد، و پاسخ Ghareghlou به آن پاسخ در International Journal of Middle East Studies، ج ۴۷، شماره ۴ (۱۵-۲۰۱۵)، ج ۴۸، شماره ۲ (۱۶-۲۰۱۵)، ۴۲۹-۴۲۵ بنگرید.

۹. برای ارزیابی مفید از منابع موجود برای جهان اسلام پیش از سال ۱۵۰۰ میلادی بنگرید به:

Paul, J. (2018). "Archival Practices in the Muslim World Prior to 1500." In Manuscripts and Archives: Comparative Views on Record-Keeping. (A. Bausi et al., ed), Berlin and Boston: De Gruyter.: 339-360.

10. Stoler, A.L. (March 2002). Colonial Archives and the Arts of Governance". Archival Science 2/1-2: 87-109, 87.

این موضوع در مورد مجموعه‌ها و منابعی که در اختیار خانواده‌ها بودند، کمتر صدق می‌کند. برای نمونه، به مقاله اصغر مهدوی درباره آرشيو خانوادگی حاج محمد حسن امین‌الصریب، بازرگان و کارآفرین قرن نوزدهم، با عنوان «اهمیت آرشيوهای خصوصی» که پیش‌تر ذکر شد، بنگرید. مقاله مهدوی خلاصه‌ای از انواع مختلف



■ شکل شماره ۱. دست‌نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ ۲۶ پ

پس از فتحعلی‌شاه و عباس میرزا، پسر بزرگ عباس میرزا، محمدشاه؛ و پس از محمدشاه، رسیدن ناصر [به این شکل در متن آمده] الدین شاه به سلطنت؛ تا و از جمله این سال ۱۲۷۰ هجری قمری / ۱۸۵۳-۵۴ که در آن پادشاه (پادشاه) روسیه و امپراتور (خوندیگار) روم [یعنی سلطان

منابعی که می‌توان در این آرشيو یافت، ارائه می‌دهد. همچنین بنگرید به: Mahdavi, Sh. (1999). For God, Mammon, and Country: A Nineteenth-Century Persian Merchant, Haj Muhammad Hassan Amin Al-Zarb (1834-1898). Boulder, Colo.: Westview Press.

بحث مرتبط با اسناد موجود در مجموعه‌های خانوادگی را می‌توان در Gurney (July 1983). A Qajar Household and Its Estates. Iranian Studies 16/3-4: 137-76. یافت.

برای مروری مفید بر پژوهش‌های اخیر در تاریخ آرشيوها و مطالعات آرشيو، بنگرید به: Yale, E. (2015). "The History of Archives: The State of the Discipline". Book History 18: 332-59.

11. Manuscripts

۱۲. برای آشنایی با فرمان‌ها، ارقام و سایر اسناد سیاسی دوره‌ی قاجار، بنگرید به قائم‌مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. صص ۴۴-۴۸ و ۷۴-۷۹.

۱۳. اصطلاح دیگری که گاهی در منابع قاجاری برای دیوان به کار می‌رود، «دفترخانه» است. استفاده از واژه «مکاتبات» دقیق نیست. در این مقاله، من آن را تقریباً به چیزی اطلاق می‌کنم که در فارسی «ترسل» نامیده می‌شود - یعنی هر مکاتبه‌ای که از طریق دیوان انجام می‌شود. برای این تعریف از ترسل، بنگرید به: Mitchell, Colin. (1997). "Safavid Imperial Tarassul and the Persian Inshā Tradition." Studia Iranica 26/2: 173-209, 177n7.

همچنین بنگرید به: عمادالدین محمود گاوان،

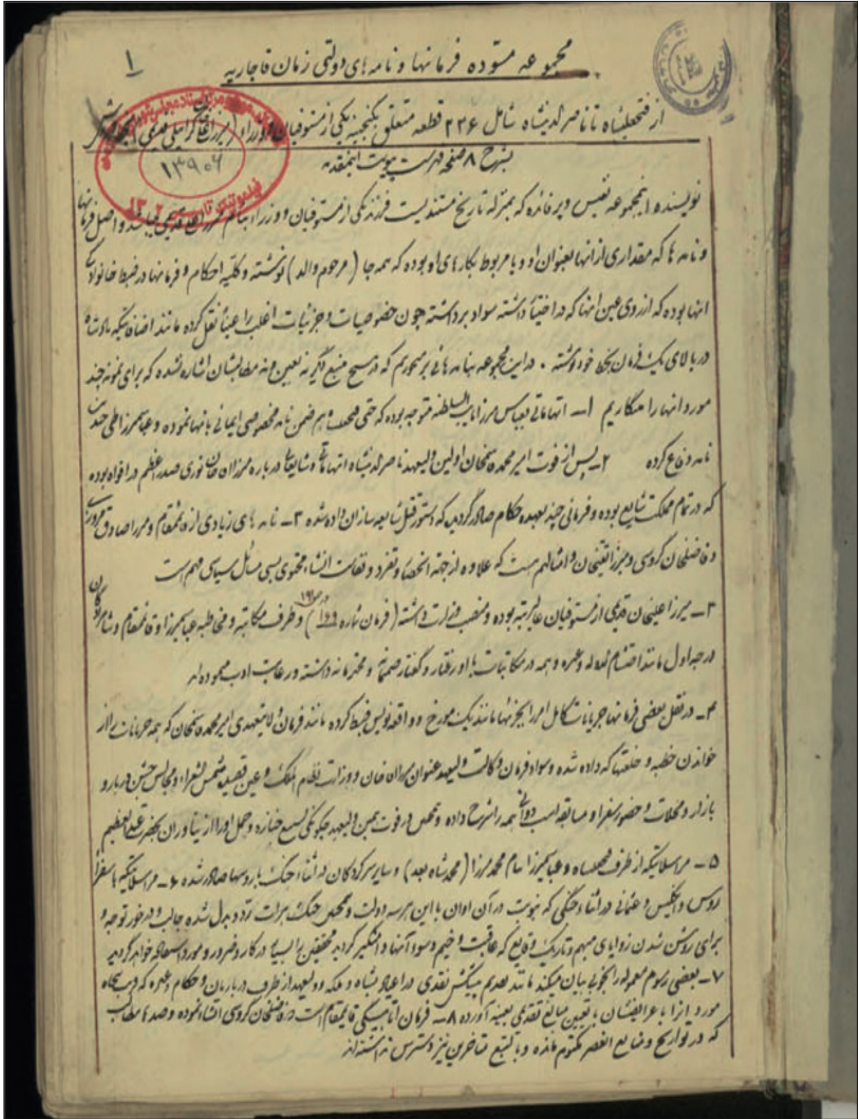
عثمانی [دگریری را آغاز کرده‌اند. من تمام وقایع ذکرشده در بالا را به‌طور کامل و با جزئیات آورده‌ام، به طوری که اگر هر یک از ساکنان نخجوان بخواهند از آن وقایع مطلع شوند، می‌توانند به آن تاریخ مراجعه کنند.<sup>۲۳</sup>

دست‌نوشته قدیمی، در مقابل، ۱۵۸ برگ دارد و شامل ۲۲۶ قطعه مکاتبه است که عمدتاً بین خاندان سلطنتی و وزرای دولت قاجار ردوبدل شده و مربوط به امور بروجرد است. مکاتبات موجود در این دست‌نوشته، برخلاف دست‌نوشته کنگرلو، به ترتیب خاصی رونوشت نشده‌اند. برای مثال، سندی مربوط به سال ۱۲۴۲ هجری قمری / ۱۸۲۶-۲۷، با سندی از سال ۱۲۷۳ هجری قمری / ۱۸۵۶-۵۷ و سپس سندی دیگر از سال ۱۲۵۶ هجری قمری / ۱۸۴۰-۴۱ دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد جدیدترین منبع رونوشت شده، مربوط به سال ۱۲۷۳ هجری قمری / ۱۸۵۶-۵۷ باشد که رقمی (حکمی) خطاب به عبدالله خان، والی هویزه، مبنی بر اعلام فتح هرات است.<sup>۲۴</sup> یادداشتی در صفحه اول مجموعه قدیمی (شکل ۲ را ببینید) زمینه گردآوری این دست‌نوشته را توضیح می‌دهد:

نگارنده این مجموعه منحصربه‌فرد و گران‌بها که می‌توان آن را به‌عنوان یک تاریخ مستند (تاریخ مستند) رده‌بندی کرد، فرزند یکی از حسابداران و وزرای [دوره قاجار] به نام میرزا علی قدیمی است.<sup>۲۵</sup> فرمان‌ها و نامه‌های اصلی - که برخی از آنها خطاب به او [یعنی قدیمی] بوده یا مربوط به کار او بوده، و در موارد مقتضی عبارت «پدر مرحوم» [برای اشاره به او] نوشته شده است - همه دستورات و احکام در دفتر خانوادگی (ضبط خانوادگی) آنها بوده که [نگارنده] آن را در اختیار داشته و آنها را دقیقاً همان‌طور که هستند، رونوشت کرده است.<sup>۲۶</sup>

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی از نظر ساختار و سازمان‌دهی کلی نیز یک تفاوت دیگر دارند. دست‌نوشته کنگرلو فهرست مطالب ندارد و در عوض از صفحه پشت اولین برگ با رونویسی اولین فرمان آغاز می‌شود. هر فرمان یا عریضه با شرح مختصری از محتوای متن پیش‌رو (یعنی یک فرمان، یک عریضه یا منبعی دیگر)، صادرکننده آن و مخاطب آن معرفی می‌شود. منابع مربوط به دوره‌های نادرشاه، کریم‌خان زند، آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه همگی به این شکل آغاز می‌شوند. در مقابل، دست‌نوشته قدیمی دارای فهرست مطالب است. نه برگ اول دست‌نوشته، منابع رونوشت و گردآوری‌شده در دست‌نوشته را فهرست کرده و شرح‌های کوتاه یک‌خطی از منابع و صفحه‌ای که می‌توانند در آن یافت شوند، ارائه می‌دهند. منابع رونویسی‌شده خودشان به وضوح از یکدیگر در برگ‌ها جدا نشده‌اند؛ در عوض یادداشت‌های کوتاهی در کنار متن اصلی، در حاشیه و با جوهر قرمز وجود دارد که خلاصه‌ای کوتاه از موضوع هر منبع ارائه می‌دهد.

اگر نویسندگان این مجموعه‌ها سرخ‌هایی درباره چرایی رونوشت‌برداری از منابع و آنچه امیدوار بودند از آنها به دست آورند برای ما به‌جا گذاشته‌اند، عموماً درباره آنچه از نسخه‌ها حذف شده، چیزی نگفته‌اند. برخلاف فرمان‌های اصلی که برای نشان‌دادن اصالت خود شامل امضاها و مهرها می‌شدند، منابع موجود در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی این ویژگی‌ها را ندارند.



شکل شماره ۲. دست نوشته ۱۳۹۴ هجری قمری، برگ ۱ ر

نویسندگان اظهار داشتند که دقت زیادی در رونوشت برداری از اسناد شده است؛ اما در نهایت، پاسخ به این پرسش که دست نوشته‌های موجود تا چه حد با دست نوشته‌های اصلی و اولیه مطابقت دارند و چقدر دقیق هستند، غیرممکن است.

(۱۳۸۱). مناظر الانشاء. (م. معدن کن، کوششگر). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.  
۱۴. این دست نوشته‌ها عبارتند از: میرزا علی بیگ. (بی تا). سواد فرامی. سلاطین و امرای حکام. دست نوشته ۳۳۱. کتابخانه مجلس، تهران (از این پس، دست نوشته ۳۳۱ مجلس یا نسخه کنکولو). قدیمی (بی تا). مجموعه مراسلات و فرمانها و مکاتیب دوره قاجار دست نوشته ۸۵۵۶. کتابخانه مجلس، تهران (از این پس دست نوشته ۸۵۵۶ مجلس یا نسخه قدیمی).  
۱۵. درباره تعاریف «مجموعه» در مقابل «چنگ». بنگرید به Sefatgol, M. (2003). Majmū'ah#hā: Important and Unknown Sources of Historiography of Iran during the Late Safavids: The Case of Majmū'ah-i Mirzā Mu'īnā. In Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth to Nineteenth Centuries. (N. Kondo, ed.). London: Routledge. 103-115, 74.  
16. Afshar, I. (2003). "Maktūb and Majmū'at: Essential Sources for Safavid Research." In Society and Culture in the Early Modern Middle East: Studies on Iran in the Safavid Period. (N. Kondo, ed.). (Leiden: Brill, 51-61; Sefatgol, "Majmū'ah#hā. ۱۷. من ادعا نمی‌کنم که

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی را «کشف» کرده‌ام؛ اما تا آنجا که می‌دانم، هیچ‌کس درباره این منابع ننوشته یا به طور گسترده در پژوهش‌های خود از آن‌ها استفاده نکرده است. من هنگام جمع‌آوری فرمان‌ها و عریضه‌های دوره قاجار از کتابخانه‌ها و آرشیوهای مختلف در طول پژوهش برای رساله‌ی دکتری‌ام، به‌طور اتفاقی با این دست‌نوشته‌ها مواجه شدم. این دو دست‌نوشته از منابع اصلی مورد استفاده در منج زبیر بودند: Ashraf, Assef. (2016). From Khan to Shah: State, Society, and Forming the Ties that Made Qajar Iran [Unpublished PhD diss] Yale University. ۱۸. سعید ارجمند اخیزا بیر استفاده بیشتر از فرمان‌ها برای تاریخ سیاسی اوایل دوره قاجار استدلال کرده است. بنگرید به: Amir Arjomand, S. (2005). Political Ethic and Public Law in the Early Qajar Period. In Robert Glave (Ed.). Religion and Society in Qajar Iran. pp. 21-40, 22. کتاب Werner C. (2000). An Iranian Town in Transition: A Social and Economic History of the Elites of Tabriz. 1747-1848 نمونه مهمی از مطالعه‌ای است که برای تحلیل روابط دولت - جامعه در اوایل دوره قاجار از فرمان‌ها بهره می‌برد؛ اما کتاب عمدتاً بر شرایط اجتماعی - اقتصادی در آذربایجان، و به‌طور مشخص‌تر تبریز، تمرکز دارد؛ نه ارائه تصویری وسیع‌تر از حکمرانی قاجار (2009). Peirce, L. "Writing Histories of Sexuality in the Middle East", The American

به نظر می‌رسد هر دو نویسنده از این موضوع آگاه بوده‌اند که ممکن است در اصلت رونوشت‌های فرمان‌ها و عریضه‌ها تردید شود و به شیوه‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. در دو برگ جداگانه در دست‌نوشته کنگرلو، دو مهر از مهرهای فتحعلی‌شاه رونویسی شده و حتی به شکل مربعی که مهرها گاهی در فرمان‌ها ظاهر می‌شوند، نوشته شده‌اند.<sup>۲۷</sup> در همین حال، قدیمی نیز با نوشتن اینکه «[منابع را] دقیقاً همان‌طور که هستند رونوشت کرده است» - گویا برای اطمینان خاطر خواننده - به این مشکل اشاره می‌کند. کمی جلوتر می‌نویسد:

از آنجا که او دقیقاً جزئیات و مشخصات بیشتر [فرمان‌ها] را منتقل کرده، [اضافاتی را که] شبیه به اضافات کتابخانه سلطنتی در بالای یک فرمان است، به خط خود نوشته است.<sup>۲۸</sup> توضیح قدیمی در اینجا گیج‌کننده است. مشخص نیست که منظور او از «اضافات در بالای یک فرمان» (بالای یک فرمان) مهرهاست یا عبارات دعایی کلیشه‌ای که همه فرمان‌ها با آنها شروع می‌شوند. قدیمی مهرهای هر قطعه از مکاتبات را رونوشت نکرده است (شکل ۳ را ببینید).

از منابع دیگر می‌دانیم که اطمینان از اصلت و دقت فرمان‌ها و نقش ویژه‌ای که مهرها در تأیید صحت آنها ایفا می‌کردند، موضوعی جدی بوده است. رابرت کرپورتر، دیپلمات و هنرمند بریتانیایی که در دهه دوم قرن نوزدهم به ایران سفر کرد، شرح زنده‌ای از چرایی ضرورت مهرها بر روی فرمان‌ها ارائه می‌دهد:

شاه به من افتخار داد و مهماندارم را منصوب کرد؛ و کاغذی به نام رَقَم یا فرمان برای استفاده من تهیه کرد که به دارنده آن اختیار می‌داد تا مقدار معینی آذوقه برای خود و همراهانش و علوفه برای دام‌هایش در سراسر کشور تحت سلطنت اعلیحضرت تهیه شود. این سند امپراتوری علاوه بر اثر مشابهه یا ده نفر از وزرای ارشد مملکت، با مهر سلطنتی نیز مهر شده است. در واقع، همه این امضاهای بزرگ برای اعتبار کوچک‌ترین دستور مکتوب، برای ناچیزترین کمک عمومی، به اندازه قدرت جامع‌ترین فرمان ضروری است. این در ابتدا ممکن است یک تشریفات بسیار دردسرساز به نظر برسد؛ اما حفاظتی که در این کشورها از جان و مال طبقات پایین جامعه که در غیر این صورت ممکن بود توسط مطالبات بی‌وقفه و بی‌رحمانه به فقر مطلق کشانده شوند، فراهم می‌کند، آن را به یک اقدام احتیاطی شایسته‌ی بیشترین احترام تبدیل می‌کند.<sup>۲۹</sup>

برای سررأبتر کرپورتر، مهرها نشانگر اعتبار سند و در نتیجه، تضمین‌کننده امنیت رعایای قاجار در برابر افراد سودجویی بود که با ادعای دروغین در اختیار داشتن فرمان‌هایی که بر قدرتشان صحه می‌گذاشت، قصد فریب مردم را داشتند.

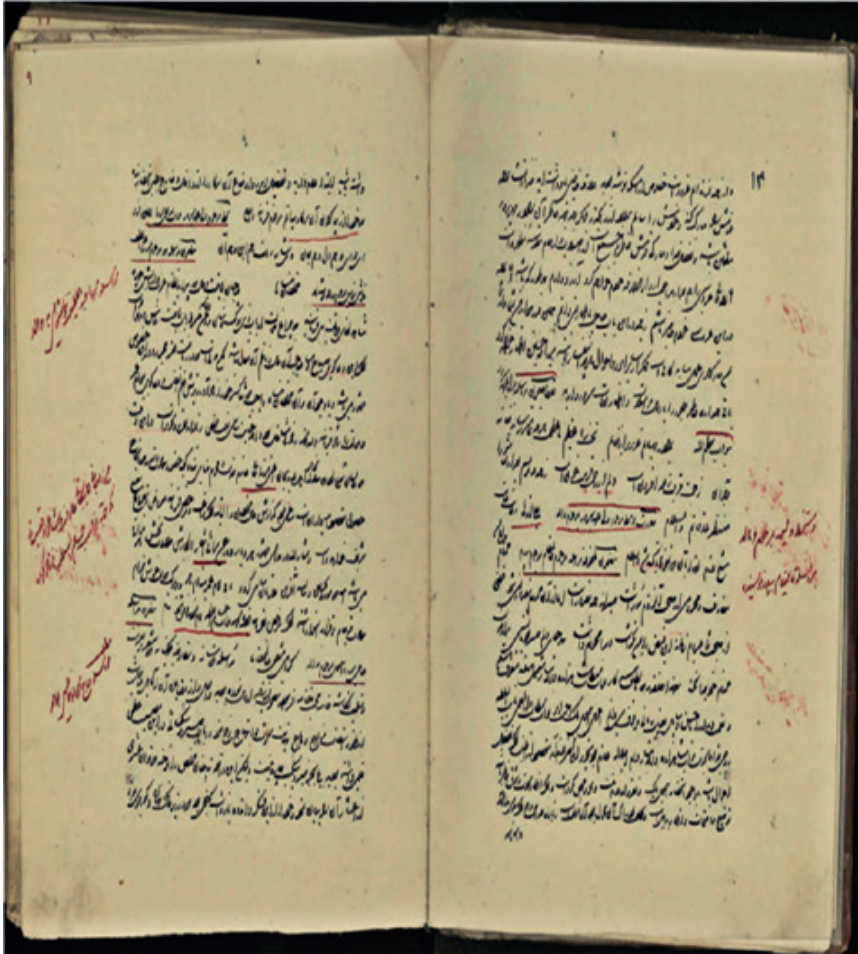
علاوه بر این، مهرها برای خوانندگان فرمان‌های قاجار، سرخ‌هایی درباره ماهیت قدرت سیاسی قاجار نیز ارائه می‌دهند. در یک سطح، قاجارها ادعای حق الهی برای سلطنت داشتند. مهرهای فتحعلی‌شاه که در بالا ذکر شد، به ایده‌ای مشابه اشاره می‌کنند: «مهر شاهنشاهی از قدرت ازلی گرفته شده و در کف شاه زمانه، فتعلی، قرار داده شده است.»<sup>۳۰</sup> مهر آغامحمدخان نیز حاوی معنایی مشابه بود: «کارم را به خدا می‌سپارم، [و] بنده او، محمد»<sup>۳۱</sup> او همچنین سکه‌هایی

۲. برای فرمان مربوط به سال ۱۲۶۶ هجری قمری، به دست نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ ۵ ر بنگرید. پایان جنگ دوم ایران و روسیه از این جهت مهم بود که منجر به الحاق نخجوان توسط امپراتوری روسیه شد. نخجوان یکی از دو خانات آخری بود که قاجارها در جنگ با روس ها از دست دادند- دیگری ایروان بود. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به:

Bournoutian, G.A. (1982). Eastern Armenia in the Last Decades of Persian Rule, 1807-1828. Malibu, Calif: Undena Publications.

۲۱. مشخص نیست که آیا این دست نوشته خاص - دست نوشته ۳۳۱ مجلس - توسط خود میرزا علی بیگ نوشته شده است یا توسط یک رونوشت بردار بعدی. ۲۲. منظور آقامحمدخان قاجار است. (مترجم) ۲۳. دست نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ ۲۶ پ. ۲۴. دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس، برگ ۴ ر. ۲۵. این دست نوشته خاص - دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس - به دست پسر قدیمی نوشته شده، نه توسط یک رونوشت بردار بعدی.

۲۶. دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس، برگ ۱ ر. ۲۷. به دست نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ های ۲۱ پ و ۲۲ پ بنگرید. دو شهر مربوطه به این صورت خوانده می شوند: گرفت خاتم شاهی ز قدرت ایل / قرار در کف شاه زمانه فتحعلی؛ و لاله الا الله الملك الحق المبين عده بابا خان.



■ شکل شماره ۳. رونوشت های مکاتبات در دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس

به نام علی ابن موسی الرضا، هشتمین امام شیعه، و همچنین صاحب الزمان، یعنی اشاره ای به محمد مهدی، دوازدهمین امام، ضرب کرد. ۳۲. مهرهای دیگر فتحعلی شاه به ادعاهای او برای جهان گشایی و جانشینی تیمور (تیمور لنگ) اشاره می کردند. او از عنوانی استفاده کرد که امپراتور ترک - مغول به آن شهرت یافت و بعدها توسط صفویان و مغولان به کار گرفته شد: «سلطان صاحب قیران». ۳۳. مهرهای دیگر، از اوایل سلطنت فتحعلی شاه، با استفاده از نام پیش از سلطنت او، باباخان، به ریشه های قبیله ای قاجار او اشاره می کردند. ۳۴. مهر عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه، به شاهزاده به عنوان «در دُریای فرمانروایی، عباس» اشاره می کرد و از واژه ای برای «فرمانروایی» (خسروی)

۲۸. دست‌نوشته ۸۵۵۲  
مجلس، برگ ۱ ر  
29. Ker Porter, S.R.  
(1821). *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia: During the Years 1817, 1818, 1819, and 1820.* London: Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown: 1: 365.

۳۰. گرفته خاتم همایونی از قدرت‌آزایی / قرار درکف شاه زمان فتحعلی. بنگرید به: فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار (جلد اول): ۱۲۱۱-۱۲۱۶ ق.  
(۱۳۷۱). تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. صفحات ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۵، ۶۷.

۳۱. «افوض امری الی الله عیده محمد» (همان): ۳۹. 32. Poole, R. S. (1887). *The coins of the Shāhs of Persia: Safavis, Afghāns, Efsghāris, Zands, and Kājārs* (pp. 143-144). London: British Museum.

۳۳. سلطان صاحب‌قران. این مهر مربوط به سال ۱۲۴۴ هجری قمری / ۱۸۲۸-۲۹ می‌باشد. بنگرید به: فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار: صفحات ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۸۱، ۸۳، ۸۵. برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخچه و معنای اصطلاح «صاحب‌قران» بنگرید به:

Haig, T. W. (n.d.). "Šāhib-Qirān". In P. Bearman et al. (Eds.). *Encyclopaedia of Islam. Second Edition.* available online at <http://brillonline.nl/>

Taylor, G. P. (1910). "On the Symbol 'Šāhib-Qirān'". *Journal & Proceedings of the Asiatic Society of Bengal* 6(10): 574-580. Chann, N. S. (2009). "Lord of the Auspicious Conjunction: Origins of the Šāhib-Qirān", Iran

استفاده می‌کرد که ریشه در برداشت‌های پیش از اسلام ایرانیان از پادشاهی داشت.<sup>۳۵</sup> استفاده از اصطلاحات گوناگون در فرمان‌ها و مهرهای قاجار برای اشاره به حکومت - شاه، سلطان، صاحبقران، خان، خاقان، خسروی - به ما یادآوری می‌کند که «جهان تصویری» فرهنگ سیاسی اولیه قاجار و ادعاهای قاجار برای مشروعیت، بر پایه سنت‌های دینی و فرهنگی متعددی استوار بود.<sup>۳۶</sup> بخش زیادی از این «جهان تصویری» در منابع رونویسی شده‌ای مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیم از دست می‌رود.

حذف مهرها و تمبرها از فرمان‌ها، عریضه‌ها و مکاتبات رونویسی شده در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، به موضوع مهم‌تری اشاره می‌کند: دست‌نوشته‌های رونویسی شده موجود در این دست‌نوشته‌ها احتمالاً توسط یک نفر - برخلاف دبیرخانه (دیوان) و وزیران متعددی که در تولید فرمان‌های اصلی دخیل بودند - انجام شده است. مردان دیوان اولیه قاجار، به‌ویژه آن‌هایی که در تهران مستقر بودند، طیف وسیعی از مسئولیت‌های سیاسی داشتند؛ از جمله انتصاب و عزل مقامات، جمع‌آوری و ثبت مالیات و هدایا، تخصیص حقوق و مقرری به کارمندان دولت و سربازان.<sup>۳۷</sup> بسیاری از کارمندان دیوان در مهارت‌های نامه‌نگاری، حسابداری و بایگانی آموزش دیده بودند.<sup>۳۸</sup> به‌طور خاص، صاحب دیوان (ناظر دیوان)، صدراعظم (نخست‌وزیر) و مستوفی‌الممالک (خزانه‌دار سلطنتی) هرکدام در نوشتن و رونوشت فرمان‌ها مشارکت داشتند.<sup>۳۹</sup> برای مثال، صاحب دیوان عمدتاً امور دیوان را سامان می‌داد؛ اما به نظر می‌رسد وظیفه تضمین عدم تکرار در فرمان‌های شاه را نیز بر عهده داشت. پس از انجام این کار، او امضا و مهر خود را در پشت اسناد می‌گذاشت.<sup>۴۰</sup> در همین حال، صدراعظم نیز باید اسناد را تأیید می‌کرد، همان‌طور که مستوفی‌الممالک و سایر حسابداران که برای او کار می‌کردند، این کار را انجام می‌دادند.<sup>۴۱</sup> مستوفی معمولاً در فرمان‌هایی که مربوط به تخصیص مبالغ مالی، حقوق یا هدایا بود، بیشترین نقش را ایفا می‌کرد. علاوه بر مهر شاه یا ولی عهد، تمامی این مقامات نیز فرمان‌ها را امضا و مهر می‌کردند.<sup>۴۲</sup>

### ۳. زمینه تاریخی: جمع‌آوری و نسخه‌برداری از فرمان‌های سلطنتی / حکومتی

یکی از ویژگی‌های بارز دیوان قاجار، پیوندهای خانوادگی بود که در آن جریان داشت. بسیاری از دبیران و وزرای دیوان قاجار در خانواده‌هایی متولد شده بودند که نسل‌ها تجربه اداری داشتند و با خاندان قاجار وصلت کرده بودند.<sup>۴۳</sup> این «خانواده‌های دیوانی» حتی در زمان تغییرات سلسله‌ای و سیاسی نیز به خدمت اداری خود ادامه می‌دادند. میرزا محمد رضا «بنده» که در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه به عنوان منشی‌الممالک خدمت می‌کرد، نمونه‌ای خوب، اما به‌هیچ‌وجه استثنایی، از تداوم در دیوان بین سلسله‌های متوالی ارائه می‌دهد. پدر محمد رضا، میرزا شفیع تبریزی، پیش از ورود به خدمت آغامحمدخان و قاجارها، به عنوان مستوفی برای نادرشاه (حک. ۱۷۳۶ - ۱۷۴۷) خدمت می‌کرد.<sup>۴۴</sup>

الگوی مشابهی را می‌توان در زمینه مجموعه‌های کنگرلو و قدیمی مشاهده کرد. نویسندگان



and the Caucasus 13(1),  
93-110.

Moin, A. A. (2012). The  
millennial sovereign:  
Sacred kingship and  
sainthood in Islam.  
(pp. 23-25). New York:  
Columbia University  
Press. 23-55.

۳۴. بنگرید به:

Rabino, H. L. (1945).  
Album of coins, medals,  
and seals of the Shāhs  
of Irān, 1500-1948.  
(Muhammad Moshiri,  
ed.), plate 51. Hertford,  
England: S. Austin and  
Sons.

۳۵. دژ دیرای خسروی

بنگرید به: فرمان‌ها و

رقم‌های دوره قاجار: ۱۱۲.

۳۶. تأثیرات اسلامی، ایرانی

باستان و ترکی- مغولی بر

فرهنگ سیاسی اولیه قاجار

منحصر به مهرهای سلطنتی

نیست. این تأثیرات در

تواریخ، سکه‌ها و نقاشی‌های

قاجار نیز مشهود است.

برای آشنایی مفید با میراث

فرهنگ سیاسی قاجار

بنگرید به:

Amanat, A. (2008). Pivot  
of the universe: Nasir  
al-Din Shah Qajar and  
the Iranian monarchy,  
1831-1896. (2nd ed.).  
New York: I.B. Tauris,  
pp. 9-13.

در مورد «جهان تصویری»

بنگرید به:

Geertz, C. (2000). Thick  
description: Toward an  
interpretive theory of culture.  
In The interpretation  
of cultures. (p. 13). New  
York: Basic Books.

۳۷. شیرازی، م. ف. «خاوری»

(۱۳۸۵). تاریخ ذوالقرنین.

(ن. افشارفرو کوشش گر).

جلد ۱، تهران: کتابخانه، موزه

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی هر دو پسر مردان دیوانی بودند. رویه استخدام وزرا و مدیران از خانواده‌های دیوانی، یا صرفاً اجازه‌دادن به پسران خانواده‌های وزیر برای جانشینی پدرانشان، مزایای عملی داشت: پسران وزرا در مهارت‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ دیوان آموزش دیده بودند. ملاحظه اضافی ممکن است این بوده باشد که منابع و سوابق اصلی که از آنها رونوشت تهیه می‌شد، گاهی در خانه مقام دیوانی نگهداری می‌شد. به عبارت دیگر، خانه‌های آنها هم کارکرد خصوصی و هم عمومی داشتند.<sup>۴۵</sup> بنابراین، پسران این خانواده‌ها در صورت و زمانی که خودشان دبیر می‌شدند، تجربه لازم برای نقش‌های اداری را داشتند.

شناسایی پیشینه‌های خانوادگی نویسندگان دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، چرایی نوشته شدن دست‌نوشته‌ها را توضیح نمی‌دهد، و همچنین چیز زیادی در مورد معنای خدمت در دیوان قاجار به ما نمی‌گوید. مردان دیوان واقعاً چه می‌کردند؟ سرنخی در مورد اخلاق حاکم بر دیوان قاجار را می‌توان در توصیف آن مناصب در تواریخ دوره قاجار یافت. برای مثال، در اینجا نحوه توصیف فضل‌الله «خاوری» شیرازی، مورخ دربار در زمان فتحعلی‌شاه، از مسئولیت‌های خزانه‌دار (مستوفی) و دبیر (منشی) در اوایل دوره قاجار آمده است:

وزیر شاهنشاهی خزانه (وزیر استیفا ممالک) مسئول تمام ترتیب معاملات و تشخیص جمع‌آوری، هزینه‌ها و حقوق هدایا (پیشکش) و مالیات (مالیات) است. وزیر دیوان که طبق عرف به عنوان منشی شاهنشاهی (منشی الممالک) شناخته می‌شود، مسئول نوشتن نامه‌های دیپلماتیک، احکام قانونی و دستوره‌های مهر شده است.<sup>۴۶</sup>

رونوشت‌برداری از مکاتبات، یکی از وظایف منشیان یا وزرا در دیوان بود.<sup>۴۷</sup> در همین حال، منابع دیگر، سرنخ‌های بیشتری در مورد آنچه خدمت در دیوان قاجار مستلزم آن بود، ارائه می‌دهند. منابع روایی مانند تواریخ و تذکره‌ها (مجموعه‌های زندگی‌نامه‌ای) شواهد فراوانی ارائه می‌دهند که چگونه تبار و نسب خانوادگی یک فرد برای اینکه آیا آنها شایسته مقام خود تلقی می‌شدند، حیاتی بود.<sup>۴۸</sup> مورخ اوایل قرن نوزدهم، دنبلی، توصیفی معمولی ارائه می‌دهد، زمانی که میرزاعیسی قائم‌مقام، وزیر برجسته در دربار عباس میرزا، ولیعهد قاجار را معرفی می‌کند: «اکثر اجداد او - نسل اندر نسل، بزرگ از بزرگ - در وزارتخانه‌های پادشاهان و الا خدمت کرده‌اند.»<sup>۴۹</sup> مقدمه‌های کوتاه توسط نویسندگان نسخه‌های کنگرلو و قدیمی را می‌توان به عنوان تلاشی از سوی این مردان برای قراردادن خود در دسته مقامات شایسته دیوان تلقی کرد. برای مثال، مقدمه قدیمی، به صراحت دو جنبه از اخلاق وزارتی را که به تاژگی ذکر شد، بیان می‌کند: حس وظیفه هم در قبال مسئولیت‌های اداره اداری و هم در قبال نسب خانوادگی. در همین حال، میرزاعلی بیگ، نویسنده نسخه کنگرلو، می‌نویسد که پدرش، میرزا اسماعیل، منشی ولایت در دیوان‌خانه کلب‌علی‌خان، حاکم نخجوان در دو دهه اول حکومت قاجار بوده است.<sup>۵۰</sup> رونوشت‌برداری از فرمان‌ها و عریضه‌ها در مجموعه‌هایی مانند نسخه‌های کنگرلو و قدیمی را نیز می‌توان با مراجعه به متون انشا (منشآت) توضیح داد. این کتاب‌ها برای آموزش و تربیت مقامات دیوان استفاده می‌شدند؛ اما علاوه بر اهداف ادبی و

آموزشی، گاهی اوقات شامل فرمان‌ها، نامه‌ها و سایر مکاتبات نمونه نیز به عنوان الگو برای تقلید بودند.<sup>۱۵</sup> آنها معمولاً از نوشته‌های آن دسته از وزرا یا منشیانی که به سبک نگارش ظریف خود مشهور بودند و در واقع اغلب به عنوان شاعر، مقاله‌نویس یا مورخ به دنبال حرفه بودند، استفاده می‌کردند.<sup>۱۶</sup> برای مثال، مخزن‌الانشاء، نمونه‌ای از چنین کتابی از اواخر قرن نوزدهم، شامل نامه‌ها و متونی است که توسط قائم‌مقام، عبدالوهاب معتمدالدوله، مهدی‌خان نادری، محمدابراهیم نواب تهرانی و فاضل گروسی، از جمله دیگر ادیبان دوره قاجار نوشته شده است.<sup>۱۷</sup> با توجه به اهدافی که برای آنها نوشته شده بود، بسیاری از مکاتبات موجود در آثار انشا، طبیعتاً هم به «سیاست‌های عالی» مربوط می‌شوند و هم به دقت برای توانایی آنها در خدمت به عنوان مواد آموزشی انتخاب شده‌اند. نسخه‌های کنگرلو و قدیمی را می‌توان به عنوان متعلق به این سنت طولانی کتاب‌نویسی درک کرد. با این وجود، نسخه‌های کنگرلو و قدیمی، درحالی‌که فرمان‌ها و عریضه‌هایی دارند که شامل زبان فرمولی تقریباً همه مکاتبات است، حداقل از دو جهت قابل توجه با کتاب‌های منشآت متفاوت هستند: آنها شامل مکاتباتی هستند که به زیبایی نوشته نشده‌اند و به نظر نمی‌رسد که نسخه‌ها با هدف آموزش وزرای آینده دیوان نوشته شده باشند. برای مثال، نسخه کنگرلو شامل چندین نامه تسلیت و یادداشت‌های کوتاه دوستی است که درحالی‌که برای اهداف آشکارکردن روابط شخصی بین افراد جالب هستند، قطعات نمونه‌ای از نوشتن نیستند.<sup>۱۸</sup> و جالب اینجاست که هیچ‌یک از نویسندگان اظهار نکردند که نسخه‌های خود را برای اهداف آموزشی یا پرورشی نوشته‌اند؛ بنابراین، این نسخه‌ها را می‌توان با مجموعه‌های دیگر قرن نوزدهم، مانند چهار جلد اواخر قرن نوزدهم «کژاسه‌المعی»، تألیف غلامحسین افضل‌الملک که شامل فرمان‌ها، عریضه‌ها و سایر منابع مربوط به دوره صفویه است، مقایسه کرد.<sup>۱۹</sup> اما حتی در اینجا، نسخه‌های کنگرلو و قدیمی برجسته هستند. «کژاسه‌المعی» زیر نظر محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، دولتمرد، محقق و نویسنده قاجار نوشته شده است. این شامل اسنادی است که احتمالاً در کتابخانه‌ها و آرشیوهای مستقر در تهران بوده‌اند و تحت حمایت ناصرالدین‌شاه تهیه شده است.<sup>۲۰</sup> در مقابل، به نظر می‌رسد که نسخه‌های کنگرلو و قدیمی در نتیجه ابتکار فردی نوشته شده‌اند و بر اساس سوابق نگهداری شده در آرشیوهای خانوادگی بوده‌اند. مجموعه قابل مقایسه خوب که مربوط به دوره قاجار نیز هست، مجموعه فرمان‌هایی است که در اختیار میرزا محمد نائینی «فروغ»، مستوفی در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه بوده است.<sup>۲۱</sup> آگاهی کلی بیشتر از اهمیت اسناد برای اهداف تاریخی نیز انگیزه‌ای برای رونوشت برداری از مکاتبات در کتاب‌های صحافی شده بود. پسر قدیمی به آن آگاهی اشاره می‌کند، زمانی که در مقدمه خود که قبلاً ذکر شد، به مکاتباتی که گردآوری کرده است، به عنوان شایسته در نظر گرفته شدن به عنوان «تاریخ مستند» اشاره می‌کند. میرزا علی بیگ در یادداشت مقدماتی خود صریح‌تر است. او به تاریخ گرجستان در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم اشاره می‌کند که احتمالاً به عنوان یک نسخه جداگانه نوشته شده است. دست‌نوشته کنگرلو شامل این متن نیست. نکته قابل توجه این است که میرزا علی بیگ مجبور شد ذکر کند که چنین تاریخی نوشته است و

و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۲۴۳. 38. Lambton, A. K. S. (1987). "Social change in Persia in the nineteenth century". In G. Nashat (Ed.), *Qajar Persia: Eleven studies* (pp. 194-222). London: Tauris.

برای اطلاعات بیشتر در مورد مهارت‌های طبقه کاتبان، بنگرید به:

Kinra, R. (2010). "Master and Munshi: A Brahman secretary's guide to Mughal governance". *Indian Economic & Social History Review*, 47(4), 527-561.

<sup>۱۹</sup> برای شرح مسئولیت‌های این وزرای دیوان، بنگرید به: خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، جلد اول، صفحه ۲۴۳. همچنین بنگرید به: Lambton, Persian Society under the Qajars: 99 به نظر می‌رسد مورد ایران اوایل قاجار از استدلال Paul Dover مبنی بر اینکه «دولت کارآمد... مستلزم مدیریت مکاتبات است؛ تهیه پیش‌نویس، خواندن، مرتب‌سازی و بایگانی» پشتیبانی می‌کند. بنگرید به: "Introduction: The Age of Secretaries." In P.M. Dover (Ed.). (2016). *Secretaries and Statecraft in the Early Modern World*. Edinburgh: Edinburgh University Press: 4.

<sup>۲۰</sup> پشت فرمان‌ها و برات‌های حواله وجوه دولتی را طغرا بگذارند و مهر کنند. مستوفی، عبدالنّه.

(۱۳۴۳). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. ص ۲۷. تهران: زوار. مستوفی ادعا می‌کند که این دفتر «در تقلید آگاهانه از دوره‌های باستان» (به تقلید دوره‌های خیلی قدیم) ایجاد شده و انتظار می‌رفت که «برای جلوگیری از ناهماهنگی، سوابق افرادی



که حقوق دریافت می‌کنند و همچنین مبلغ دریافتی آن‌ها را ثبت کند». رویه استفاده ترکیبی از امضا و مهر برای تأیید اصالت، به‌ویژه در پشت فرمان‌ها، در دوره صفوی به خوبی مستند شده است. برای نمونه، بنگرید به:

Büsse, H. (1959). Untersuchungen zum islamischen Kanzleiwesen an Hand turkmenischer und safawidischer Urkunden. Cairo: Kommissionsverlag Sirović Bookshop.

صاحب دیوان را به عنوان «ناظر بر حساب‌های هر بخش و ناظر بر خروجی دبیرخانه» توصیف می‌کند. بنگرید به:

Colin Meredith. (1971). "Early Qajar administration: An analysis of its development and functions". Iranian Studies, 4(2-3), 59-78.

همچنین بنگرید به: Hambly, G. (1991). Iran during the reigns of Fath 'Ali Shah and Muhammad Shāh. In P. Avery, G. Hambly, & C. Melville (Eds.). The Cambridge history of Iran. Vol. 7, pp. 156-157. Cambridge: Cambridge University Press.

۴۱. برای بحث در مورد نقش این مقامات دیوان در تولید فرمان‌ها، بنگرید به سام، بررسی فرمان‌نویسی: صفحات ۱-۷۲. ۴۲. برای برخی نمونه‌ها بنگرید به فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار: صص ۴۰، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۴۸، ۵۱، ۵۴-۵۳، ۵۹-۵۷، ۶۴-۶۳، ۶۹-۶۸، ۷۱، ۷۳، ۸۰-۸۱، ۸۴، ۸۷-۸۸.

به‌صراحت بیان کند که قرار بود در آینده مورد استفاده قرار گیرد. ممکن است این‌طور بوده باشد که جمع‌آوری و رونوشت برداری از فرمان‌ها، عریضه‌ها و سایر مکاتبات توسط میرزاعلی بیگ بخشی از پروژه‌ای برای نوشتن تاریخ منطقه بوده است. در واقع، منطقی به نظر می‌رسد که فرض کنیم اگر میرزاعلی بیگ تاریخی نوشته باشد، از این مکاتبات به‌عنوان منابع خود استفاده کرده است. اکثر تواریخ قرن نوزدهم، و همچنین تواریخ دوره‌های قبیل، فرمان‌ها را به‌عنوان بخشی از روایات تاریخی خود نقل می‌کنند که نشانه‌ای واضح است که نویسندگان هنگام نوشتن متون خود از این منابع استفاده کرده‌اند. علاوه بر این، شرایط تاریخی فوری میرزاعلی بیگ باید نقش مهمی در سوق دادن او به ثبت و نوشتن تاریخ منطقه داشته باشد. در اواخر همین بخش، او به‌طور خلاصه به درگیری (پرخاش) تازه آغازشده بین امپراتوری‌های روسیه و عثمانی اشاره می‌کند که باید اشاره‌ای به جنگ کریمه (اکتبر ۱۸۵۳ - مارس ۱۸۵۶) باشد. با توجه به اینکه میرزاعلی بیگ در نخجوان، شهری نزدیک به صحنه شرقی جنگ، زندگی می‌کرد، ممکن است احساس کرده باشد که ثبت اسناد دیوان و اطمینان از به‌یادماندن تاریخ منطقه در آینده، به‌ویژه ضروری است.<sup>۵۸</sup>

یکی از توضیحات احتمالی دیگر برای چرایی گردآوری مجموعه‌های دست‌نوشته این است که نویسندگان صرفاً قصد افزایش اعتبار شخصی خود را داشتند. میرزاعلی بیگ و قدیمی با بازگویی وقایعی که شاهد آن بودند و برجسته‌کردن روابط خانوادگی خود با مردانی که در دیوان قاجار خدمت می‌کردند، احتمالاً می‌خواستند موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را تثبیت کنند. از سوی دیگر، به نظر نمی‌رسد که این متون توسط حامی مالی سفارش داده شده باشند و مشخص نیست که در آن زمان چه کسی آن‌ها را می‌خوانده؛ بنابراین این افزایش اعتبار چگونه به وجود می‌آمد و نویسندگان قصد ارائه این افزایش اعتبار را نزد چه کسی داشتند نیز نامشخص است.

باوجود این واقعیت که هر دو گردآورنده اظهار داشتند که دست‌نوشته‌های آن‌ها باید برای درک تاریخ مورد استفاده قرار گیرد، تعیین چگونگی استفاده واقعی از این مجموعه‌ها در سال‌های پس از نگارش آن‌ها دشوار است. دست‌نوشته‌هایی به خط روسی در حاشیه چندین برگ از دست‌نوشته کنگرلو وجود دارد که نشان می‌دهد توسط یک خواننده یا محقق روسی زبان استفاده شده است. با توجه به الحاق نخجوان به امپراتوری روسیه در سال ۱۸۲۸، این موضوع منطقی است، اگرچه هیچ نشانه‌ای از زمان نوشته‌شدن یادداشت‌ها در حاشیه وجود ندارد.<sup>۵۹</sup> این دست‌نوشته در مقطعی به کتابخانه شخصی مجید فیروز رسید که سپس آن را در اواخر دهه ۱۹۵۰ به کتابخانه مجلس اهدا کرد.<sup>۶۰</sup> دست‌نوشته قدیمی نیز مانند دست‌نوشته کنگرلو دارای یادداشت‌های حاشیه‌ای، اما به زبان فارسی است. این یادداشت‌ها ممکن است توسط یک محقق نوشته شده باشد؛ اگرچه به نظر می‌رسد که احتمالاً توسط خود قدیمی نوشته شده‌اند.<sup>۶۱</sup> دست‌نوشته قدیمی نیز مانند دست‌نوشته کنگرلو در نهایت به کتابخانه مجلس راه یافت.

در نهایت، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی به برخی از مضامین اصلی پشت گردآوری و نسخه‌برداری از فرمان‌ها، عریضه‌ها و مکاتبات اشاره می‌کنند: نقش خانواده‌های دیوانی در حفظ

۴۳. بنگرید به: Ashraf, A. (2019). "A familial state: Elite families, ministerial offices, and the formation of Qajar Iran". International Journal of Middle East Studies, 51(1), 43-64.

۴۴. بیگ، عبدالرزاق، دنبلی (مفتون)، (۱۳۴۲). تذکره نگارستان دار. (عبدالرسول خیام پور، کوشش گر). تبریز: بی‌نا، صص ۶۴-۶۳.

میرزاعلیقلی، اعتضاد السلطنه. (۱۳۷۰). اکسیر التواریخ. (جمشید کیانفر، کوشش گر). تهران: ویسمن، صص ۲۴۷.

45. Mahdavi, 244.

۴۶. خاوری شیرازی، ج اول: ۲۴۳.

۴۷. برای بحثی مشابه در زمینه انگلستان اوایل دوره مدرن، بنگرید به: Pollmann, J. (2016). "Archiving the present and chronicling for the future in early modern Europe". Past & Present, 230 (Supplement 11), pp.231-252.

۴۸. برای بحث در مورد چگونگی کمک تبارشناسی (حسب) و افتخار کسب شده از طریق اعمال (نسب) به تخمین ارزش یک مرد در جوامع اولیه اسلامی، بنگرید به: Mottahedeh, R. (2001). Loyalty and leadership in an early Islamic society (2nd ed). London & New York: I.B. Tauris, pp 98-104

۴۹. اکثر اسلاف ایشان سالفاً بعد سالف و کابرای بعد کابریه وزارت سلاطین مفاخر خدمت کردند. دنبلی، ۱۴۵.

۵۰. دست نوشته، شماره ۳۳۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۵۲، روی صفحه. میرزا اسماعیل به عنوان منشی ولایت، در دیوانخانه ایروان نیز خدمت می‌کرد. بنگرید به:

اسناد، تمایل به نسخه برداری از منابع به خاطر آیندگان و رویدادهای تاریخی که فرد را به نسخه برداری و گردآوری منابع ترغیب می‌کند.

#### ۴. ارتباطات و پیوندها در ایران قاجار

فرمان‌ها و عریضه‌ها شریان حیاتی حکومت بودند و ارتباط مؤثر برای تثبیت حکومت قاجار ضروری بود. گنجاندن طیف وسیعی از نامه‌نگاری‌ها در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی به گردش مکاتبات در سراسر قلمرو قاجار اشاره دارد. انظر این نویسنده، آنچه در این دو مجموعه قابل توجه است، گنجاندن عریضه‌ها یا ارجاع به عریضه‌ها در فرمان‌ها است.

بسیاری از موارد مربوط به نظام دادخواهی در اوایل دوره قاجار همچنان نامشخص است، اما به نظر می‌رسد دادگاه سنتی که به عریضه‌های رعایا رسیدگی می‌کرد، یعنی «دیوان مظالم»، در این دوره وجود نداشته است.<sup>۶۲</sup> اگرچه دادگاه مظالم ریشه‌های بسیار قدیمی‌تری داشت و حتی ممکن است منشأ آن در ایران پیش از اسلام باشد و سپس توسط عباسیان پذیرفته شده و تا دوره صفویه نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد، برخی از محققان استدلال کرده‌اند که این دادگاه تنها در اواخر دهه ۱۸۵۰ توسط حاکمان قاجار و پس از احتمالاً متروک ماندن در قرن هجدهم، احیا شد.<sup>۶۳</sup> با این وجود، عمل دادخواهی در اوایل قرن نوزدهم رخ می‌داد. نمونه‌های متعددی از اوایل قرن نوزدهم وجود دارد که نشان می‌دهد عریضه‌هایی همراه با پیشکش نوروزی سالانه به شاه فرستاده می‌شد.<sup>۶۴</sup> جیمز موریه که در دهه اول قرن نوزدهم به عنوان منشی هیئت هارفورد جونز به ایران قاجار سفر کرد، شرح زیر را در مورد چگونگی رسیدن شکایات به شاه ارائه می‌دهد:

کلانتر<sup>۶۵</sup> هر جا که ریاست کند، شخص مهمی است. او از مأموران تاج و تخت است و سالی یک بار در حضور شاه حاضر می‌شود، افتخاری که به کدخدای<sup>۶۶</sup> داده نمی‌شود. او همچنین از خزانه پادشاه حقوق دریافت می‌کند که کدخدا این طور نیست. کلانتر واسطه‌ای است که از طریق آن خواسته‌ها و نیازهای مردم به اطلاع شاه می‌رسد: او در همه مواقع رئیس و نماینده آنهاست و هرگاه احساس ظلم کنند، شکایات رعایا<sup>۶۷</sup> را مطرح می‌کند. او همچنین از ثروت هر رعیت و نحوه پرداخت خراج سالانه او آگاه است: بنابراین سهمیه‌ای را که هر فرد باید بپردازد، تعیین می‌کند و اگر مهر او بر اسنادی که رعیت در زمان جمع‌آوری مالیات ارائه می‌دهد، نباشد، ارزیابی معتبر نیست و مبلغ قابل دریافت نیست.<sup>۶۸</sup>

عریضه‌ها، به دلیل منشأ آنها در شهرها و شهرستان‌های سراسر ایران قاجار و سپس ارسال آنها به حکام ولایات و شاه، می‌توانند اطلاعاتی در مورد چگونگی شکل‌دهی نگرانی‌های محلی به تصمیمات امپراتوری ارائه دهند. به عنوان مثال، در مجموعه کنگرلو، دو عریضه وجود دارد که به عنوان ارسال شده توسط «اهالی نخجوان» (اهالی و اهل نخجوان) و خطاب به قائم‌مقام، وزیر اعظم عباس میرزا در تبریز، توصیف شده‌اند.<sup>۶۹</sup> در عین حال، نسخه‌هایی از فرمان‌ها نیز وجود دارد که در آنها به عریضه‌های قبلی اشاره شده است. برای مثال، یک فرمان از فتحعلی‌شاه بیان



Bournoutian: 67 and 92.

۵۱. در مورد سنت انشا در

زمینه صفویه، بنگرید به:

Mitchell, 1997: 61-72.

Alam, M., & Subrahman-

yam, S. (2004). "The

making of a munshi".

Comparative Studies of

South Asia, Africa and the

Middle East, 24(2), 61-72.

۵۲. Hans Roemer. استدلالات

می‌کنند که کلمه انشا برای

تعیین نوعی از ادبیات،

رایج و گسترده در منطقه

زبان‌های فرهنگی اسلامی»

استفاده می‌شد. بنگرید به:

Roemer, H. R. (1995).

"Inshā". In Encyclopa-

edia of Islam (2nd ed.).

Leiden: Brill.

۵۳. محمدرضا بن محمد

رحم. (ه ۱۲۶۰ ق.). مخزن

الانشاء. تهران.

۵۴. برای نمونه بنگرید به:

دست‌نوشته شماره ۳۳۱

کتابخانه مجلس شورای

اسلامی، برگ ۸۷، پشت

صفحه.

۵۵. اگرچه بخش‌هایی از

این مجموعه منتشر شده

است، اما چهار جلد آن هنوز

به طور کامل منتشر نشده و

به صورت دست‌نویس باقی

مانده است. دست‌نوشته

های مجلس. ه ۹۴۵.

۹۴۵۱، ۹۴۵۲، ۹۴۵۳.

الفعلی نام مستعار (تخلص)

افضل الملک بود. بنگرید به:

افضل الملک،

غلام‌حسین میرزا. (۱۳۶۱).

افضل التواریخ. (منصوره

اتحادیه نظام مافی و سیروس

سعدوندیان، ویراستاران).

تهران: نشر تاریخ ایران،

ص ۳۱۱.

۵۶. دست‌نوشته شماره

ه ۹۴۵ مجلس

شورای اسلامی، برگ ۱،

روی صفحه، و برگ ۲، پشت

صفحه.

می‌کنند که شنیده است که نیروهای قاجار مستقر در دشت‌های اوجان، در آذربایجان، بخش زیادی از غذای منطقه را مصرف کرده و «بار بی‌موردی» بر دوش روستاییان گذاشته‌اند، قبل از اینکه به حاکم محلی دستور دهد غلات را به‌درستی ذخیره کند و کسانی را که روستاییان را آزار می‌دهند، مجازات کند.<sup>۷۰</sup> این فرمان به‌وضوح نشان می‌دهد که نوعی شکایت به شاه رسیده است و علی‌رغم عدم وجود یک دادگاه رسمی مظالم، شکایات به حاکمان قاجار ارسال می‌شد.

همان‌طور که بحث فوق نشان می‌دهد، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی همچنین شواهدی از شبکه‌ای از ارتباطات ارائه می‌دهند که شهرها و شهرستان‌ها را به یکدیگر متصل می‌کرد و گردش اطلاعات و اخبار را در سراسر ایران قاجار تسهیل می‌کرد. کل نظام ارسال فرمان‌ها و عریضه‌ها به سراسر قلمرو قاجار به‌نظام چاپار وابسته بود که گردش مکاتبات را تسهیل می‌کرد - سیستمی که در طول قرن هجدهم روبه‌زوال گذاشته بود و تنها در اوایل دوره قاجار دوباره ساخته شد.<sup>۷۱</sup> نظام چاپار شبیه به یک سرویس پیک پستی بود که در آن ایستگاه‌های بین‌راهی (چاپارخانه) با اسب‌های تازه در فواصل ازپیش‌تعیین‌شده در جاده‌ها قرار داشتند و پیام‌رسان‌های سواره از یک ایستگاه بین‌راهی به ایستگاه بعدی می‌رفتند و اسب‌ها و گاهی حتی پیام‌رسان‌ها را عوض می‌کردند تا به مقصد برسند.<sup>۷۲</sup> این نظام سابقه‌ای هزاران ساله داشت و منابع متعددی، از جمله تاریخ‌های یونانی، نشان می‌دهند که ریشه‌های آن در دوره هخامنشی (حدود ه ۵۵۰ - ۳۳۰ قبل از میلاد) بوده است.<sup>۷۳</sup> بااین‌حال، استفاده از آن در طول قرن‌ها کم‌وزیاد شد.<sup>۷۴</sup> در اوایل دوره قاجار و به‌ویژه در زمان سلطنت فتح‌علی‌شاه بود که برخی از جاده‌ها تعمیر و بیشتر مورد استفاده قرار گرفتند.<sup>۷۵</sup> از طریق این شبکه از جاده‌ها و ایستگاه‌های بین‌راهی بود که احکام و عریضه‌ها، گاهی اوقات در مسافت‌های مایل، در سراسر قلمرو قاجار حمل می‌شدند و گاهی اوقات در نهایت به مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی ختم می‌شدند (شکل ۴ را ببینید).

علاوه بر این، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی نشان‌دهنده ارتباطات مادی بین ایالت‌ها و شهرها هستند. به‌عنوان مثال، فرمان‌های متعددی در دست‌نوشته کنگرلو به اعزام نیرو از نخجوان، ایروان یا تفریس به منطقه دیگری اشاره دارند.<sup>۷۶</sup> به‌طور مشابه، تدارکات و کالاها از یک منطقه به منطقه دیگر در قفقاز منتقل می‌شدند.<sup>۷۷</sup> حاکمان قاجار در تبریز یا تهران نیز همه این تلاش‌ها را هماهنگ نمی‌کردند. گاهی اوقات کمک‌ها به دلایلی مربوط به روابط خانوادگی و خویشاوندی که جوامع ایروانی، دنبلی و کنگرلو را که به ترتیب به‌عنوان حاکمان ایروان، خوی و نخجوان خدمت می‌کردند، به هم پیوند می‌داد، می‌رسید.<sup>۷۸</sup> فرمان‌ها و عریضه‌ها نشان می‌دهند که ارتباطات در سراسر ایران قاجار چندجهته بود.

در همین حال، مراسمی که ارائه و خواندن فرمان‌ها و عریضه‌ها را احاطه کرده بود، به‌منظور انتقال اقتدار حکومت قاجار بود. این امر بیشتر در خود دربار قاجار (دربار) مشهود بود، جایی که رژه‌های روزانه درباریان، ملازمان و زنان حرم برگزار می‌شد و عریضه‌ها از سراسر قلمرو قاجار برای شاه خوانده می‌شد.<sup>۷۹</sup> بااین‌حال، حتی در خارج از دربار نیز، خواندن یک فرمان سلطنتی با تشریفات



■ شکل شماره ۴. مسیرهای چایار و خطوط تلگراف در اواخر قرن نوزدهم؛ منبع: عبدلی فرد، چاپخانه‌ها و راه‌های چایاری در ایران، جلد دوم: ص ۷۴

همراه بود. جیمز موریه داستان رسیدن فرمانی به بوشهر را که خطاب به هارفورد جونز بود، نقل می‌کند:

ما با این خبر که کریم‌خان، حامل نامه پادشاه، در فاصله دو کیلومتری اردوگاه ما قرار دارد، بی‌درنگ آماده شدیم. از آنجایی که لازم بود آن را با نهایت احترام دریافت کنیم، لباس‌های مسافرتی خود را با یونیفرم و شمشیر عوض کردیم که ایرانیان یاد گرفته‌اند آن را به عنوان لباس رسمی در میان اروپاییان گرامی بدارند. ما با عجله تمام به سمت جاده شیراز حرکت کردیم، با گارد محافظ در بهترین لباس‌های خود، با پرچم‌های برافراشته و صدای شیپور... سفیر، مهماندار و همه آقایان هیئت از اسب‌های خود پیاده شدند و به صورت منظم به سمت کریم‌خان رفتند که به همین ترتیب با ملازم پشت سرش که حامل فرمان پادشاه بود به سمت ما آمد. هنگامی که خوشامدگویی‌ها رد و بدل شد، خان نامه پادشاه را از زیر دستمالی که روی آن را پوشانده بود، برداشت و با صدای بلند گفت: «این فرمان پادشاه است» و آن را به دست سفیر داد. سیر هارفورد آن را با هر دودست خود دریافت کرد و پس از آنکه با احترام آن را به سر خود برد، آن را در سینه خود قرارداد.<sup>۸۰</sup>

هارفورد جونز در بازگشت به چادر خود، از پیرمراد بیگ، منشی فارسی خود، خواست تا فرمان را با صدای بلند بخواند. «هنگامی که فرمان به دست او رسید، همه حاضران ایستادند و اروپایی‌ها

۵۷. برای یک مجموعه منتشر شده، بنگرید به: Karimzāda-Tabrizī, M. 'A. (Ed.). (1989). *Asnād va farāmīn-i muntashir nāshuda-yi Qājār* [Unpublished Qajar documents and decrees]. London: Kanoune Ketab Limited.

این اثر بعدها با عنوان نائینی فروغ، میرزامحمد. (۱۳۷۷). *سفینة الفرامین (سفینة الانشاء): مجموعه منشآت و مکاتیب میرزامحمد منشی نائینی (فروغ)*. (محمد گلبن، کوشش‌گر). خرم‌آباد: پیام، دوباره منتشر شد. ۵۸. در نتیجه جنگ کریمه، صدها هزار نفر خانه‌های خود را در قفقاز و کریمه ترک کردند. بنگرید به: Crews, R. D. (2006). *For Prophet and Tsar: Islam and empire in Russia and Central Asia*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Brooks, W. (1995). "Russia's conquest and pacification of the Caucasus: Relocation becomes a pogrom in the post-Crimean War period". *Nationalities Papers*, 23(4), 675-686.

۵۹. برای نمونه، به دست‌نوشته مجلس ۳۳۱، برگ‌های ۱۵، ۱۲، ۱۱ و ۱۰ پ ۱۸ پ بنگرید.

۶۰. چندین برگ در این دست‌نوشته دارای مهری در گوشه بالایی است که به فارسی نوشته شده است: «کتابخانه مجید فیروز، اهدایی به کتابخانه مجلس شورای ملی». برای نمونه به برگ‌های ۱ و ۵ ر بنگرید. عبدالمجید فیروز سپهبد ارتش ایران و عضو مجلس شورای ملی و سنا بود. او صاحب یک کتابخانه شخصی با بیش از ۶۰۰۰ جلد، شامل کتاب‌هایی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی،



کلاه‌های خود را برداشتند: پیرمراد بیگ فرمان را با تأکید مشخص و آهنگین خواند.<sup>۸۱</sup>  
جدید حکام قاجار در خواندن فرمان‌ها و عریضه‌ها زمانی بیشتر نمایان می‌شود که اشتباهات و خطاها موجب کاهش شکوه و تأثیر آن‌ها می‌شد.

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام در نامه‌ای به برادرش میرزا موسی‌خان اندکی پس از نوروز ۱۲۳۹ هجری قمری / مارس ۱۸۲۴ نوشت که در رژه نوروزی اخیر، خواننده معمول عریضه‌ها (عریضه‌خوان) غایب بود و بنابراین شاه از پسری یکی از درباریان خواست تا عریضه خراسان را با صدای بلند بخواند. باین حال، او آن قدر بد آن را خواند و اشتباهات زیادی مرتکب شد که دیگران در میان حصار شروع به خندیدن کردند و باعث خشم شاه شد.<sup>۸۲</sup>

## ۵. خواندن مجموعه‌ها به عنوان آرشيو

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، مانند بسیاری از مجموعه‌های دیگر، اثر نویسنده‌ای را که منابع موجود در آنها را سازمان‌دهی و گردآوری کرده، نشان می‌دهند. نامه‌نگاری‌ها تقریباً به ترتیب زمانی (مانند دست‌نوشته کنگرلو) رونوشت شده‌اند یا با فهرستی از مطالب که شامل خلاصه کوتاهی از هر منبع رونوشت شده است (مانند دست‌نوشته قدیمی) آمده‌اند. یادداشت‌هایی در حاشیه برگ‌ها ظاهر می‌شوند که اطلاعات اضافی ارائه می‌دهند. این ویژگی‌ها، همراه با این واقعیت که دست‌نوشته‌ها در واقع توسط افراد گردآوری، رونوشت و نوشته شده‌اند، در نگاه اول آنها را از تصورات ایدئال آرشیوها متمایز می‌کند. ما گاهی تصور می‌کنیم که آرشیوها به‌مرور زمان به‌صورت ارگانیک رشد کرده‌اند و اسناد به‌صورت تصادفی مرتب‌شده یا فهرست‌بندی‌نشده در انتظار «کشف» توسط یک محقق جسور هستند. یک نمونه بارز از این نوع آرشیو می‌تواند گنجینه قاهره باشد، با تکه‌های کاغذی که در طول صدها سال در زیرشیروانی یک کنیسه قاهره قرار داده شده‌اند - اسنادی که آن قدر مهم نبودند که نگهداری شوند؛ اما دورانداختن آنها مجاز نبود؛ زیرا کلمه خدا روی آنها ظاهر می‌شد. گنجینه قاهره در واقع به عنوان «زباله مقدس» توصیف شده است که قرن‌ها فراموش شده بود و تنها در اواخر قرن نوزدهم کشف شد و اکنون توسط محققان برای بازسازی تاریخ جوامع قرون وسطایی مدیترانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۸۳</sup>

باین حال، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی در واقع با بسیاری از نمونه‌های آرشیوها همخوانی دارند. تقریباً همه آرشیوها منطق اساسی خود را دارند و سطحی از طراحی انسانی را منعکس می‌کنند. اسناد توسط افراد انتخاب، فهرست‌بندی و سازمان‌دهی می‌شوند.<sup>۸۴</sup> دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی و سایر مجموعه‌های مشابه آنها باید مانند سایر آرشیوها مورد بررسی قرار گیرند و برای پاسخ به طیف وسیعی از پرسش‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرند. به‌ویژه هنگامی که در ترکیب با سایر منابع انجام شود، مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی می‌توانند تاریخ ایران را حداقل در سه حوزه تحقیقاتی مختلف غنی کنند.  
حوزه اول در عرصه سیاست است. مکاتباتی مانند فرمان‌ها و عریضه‌ها منابع ضروری برای

عربی و فارسی بود. چند سال قبل از مرگش در سال ۱۳۳۸ شمسی / ۱۹۵۹، مجموعه خود را به کتابخانه مجلس اهدا کرد. بنگرید به: عاقلی، باقر (۱۳۸۰). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. جلد ۵، تهران: نشر گفتار، ص ۱۱۳۶.  
۶۱. برای نمونه، برخی از یادداشت‌ها به پدر قدیمی با عنوان مرحوم والد اشاره می‌کنند. بنگرید به دست‌نوشته مجلس ۸۵۲، برگ ۱۳ پ.  
۶۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد ادگاه‌های مظالم، بنگرید به: Schacht, J., Inalcik, H., Findley, C. V., Lambton, A. K. S., et al. (n.d.). Mahkama. In Encyclopaedia of Islam, Second Edition. Hallaq, W. B. (2009). An Introduction to Islamic law. Cambridge and New York: Cambridge University Press, pp. 74-77.  
مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۶۶). «دیوان مظالم». فرهنگ ایران زمین، ۲۷، ۹۸-۱۱۸.  
۶۳. نویواکی کوندواستدلال می‌کند که منشأ دادگاه مظالم در ایران قاجار در اصلاحات دیوانخانه در سال ۱۸۵۸ نهفته است. بنگرید به: Islamic law and society in Iran: A social history of Qajar Tehran (2017). London and New York: Routledge, pp. 27-30.  
باین حال بیشتر محققان استدلال می‌کنند که این دادگاه در سال ۱۸۶۰ دوباره ظاهر شد. بنگرید به: Lambton, A. K. S. (n.d.). Mahkama 3. Iran. In

Encyclopaedia of Islam, Second Edition. Floor, W. (1983). Change and development in the judicial system of Qajar Iran (1800-1925). In C. E. Bosworth & C. Hillenbrand (Eds.). Qajar Iran: Political, social, and cultural change, 1800-1925. Edinburgh: Edinburgh University Press, pp. 113-147. Schneider, I. (2005). "Religious and state jurisdiction during Nāṣir al-Dīn Shāh's reign". In R. Gleave (Ed.). Religion and society in Qajar Iran. London: Routledge, p 86. اشنادیدر مظالم را به عنوان «دادگاه شکایات علیه بی‌عدالتی‌ها» ترجمه می‌کند. ۶۴. برای نمونه بنگرید به: قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۳۷). منشآت قائم‌مقام (جهانگیر قاتم‌مقامی، کوشش‌گرا، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، صص ۸۵-۸۶. ۶۵. کلانتر توسط موریه به عنوان شخصی (که علاوه بر حاکم واقعی، در هر شهر شهرستان و روستا اقامت دارد و بر جمع‌آوری خراج نظارت می‌کند، تعریف شده است. ۶۶. کدخدا. توسط موریه به عنوان «رئیس یک روستا، تعریف شده است. ۶۷. رعیت، معمولاً به عنوان «تبعه»، «دهقان» یا «رعیت» ترجمه می‌شود. 68. Morier, James. (1812). A Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, in the Years 1808 and 1809. London: Longman, Hurst, Rees, ۶۹. دست‌نوشته مجلس ۳۳۱، برگ‌های ۸۶ پ و ۸۹ پ. ۷۰. همان، برگ ۲۳ ن ۷۱. عبدلی‌فرد، ف.

درک ایدئولوژی حکومت هستند. همان‌طور که محققان مدت‌هاست اشاره کرده‌اند، زبانی که در فرمان‌ها و عریضه‌ها استفاده می‌شود می‌تواند به ما در شناسایی ویژگی‌های اصلی فرهنگ سیاسی کمک کند.<sup>۸۵</sup> توجه دقیق به زبان پرطمطراق و رسمی مکاتبات که برخی استدلال کرده‌اند به جای روشن کردن پیام، آن را مبهم می‌کند، می‌تواند به روشن کردن نکات ظریف معنا در متن کمک کند.<sup>۸۶</sup>

مکاتبات در کنگرلو و قدیمی همچنین توجه ما را به رویه‌های سیاسی مانند واگذاری زمین، مراسم هدیه‌دادن یا پیشکشی، اعطای خلعت و دادخواهی جلب می‌کند.<sup>۸۷</sup> علی‌رغم آگاهی طولانی از اهمیت فرمان‌ها و عریضه‌ها، کمتر به سودمندی آنها برای درک این جنبه‌های خاص حکومت، به‌ویژه در زمینه ایران قاجار، توجه شده است. اخیراً، فرمان‌ها در مطالعات موضوعات متنوعی مانند تاریخ سیاست‌های استانی، مصرف مواد مخدر و محرک و دیپلماسی گنجانده شده‌اند.<sup>۸۸</sup> استفاده سامانمند از چنین مکاتباتی می‌تواند بینشی در مورد اینکه چه کسانی در این رویه‌ها شرکت داشتند و چه زمانی، چگونه و چرا آنها رخ داده‌اند، ارائه دهد.

اما در عین حال، دست‌نوشته‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی فرصت‌هایی را برای انجام تحلیل‌های جامعه‌محورتر از سیاست قاجار ارائه می‌دهند. یک رویکرد جامعه‌محور تاحدی مستلزم توجه بیشتر به چهره‌های تاریخی کمتر شناخته شده است. کلب‌علی‌خان کنگرلو، شخصیتی که اغلب در فرمان‌ها و عریضه‌های دست‌نوشته کنگرلو ظاهر می‌شود، به‌ندرت در منابعی که به‌طور سنتی برای تاریخ سیاسی دوره قاجار استفاده می‌شوند، مانند تواریخ و گزارش‌های دیپلماتیک خارجی، ظاهر می‌شود.<sup>۸۹</sup> از دست‌نوشته کنگرلو، ما همچنین در مورد پیشینه کلب‌علی‌خان و ماهیت در حال تکامل رابطه او با حاکمان قاجار مانند آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه می‌آموزیم. به‌عنوان مثال، می‌آموزیم که کلب‌علی‌خان زمانی با آغامحمدخان دچار مشکل شد که او را از مقامش برکنار کرد و زبانش را برید، قبل از اینکه بعداً آشتی کند و دوباره او را به عنوان حاکم نخجوان منصوب کند.<sup>۹۰</sup> به‌طور مشابه، از دست‌نوشته قدیمی، تصویری از میرزاعلی قدیمی شروع به‌ظاهر شدن می‌کند. می‌آموزیم که میرزاعلی نام‌های متعددی از طیف وسیعی از شخصیت‌های برجسته سیاسی اوایل قاجار - از جمله عباس‌میرزا، قائم‌مقام، میرزاصادق مروزی، میرزافاضل‌خان گروسی و میرزاتقی‌خان - در مورد طیف وسیعی از موضوعات سیاسی دریافت کرده است.<sup>۹۱</sup> از آنجاکه منابعی مانند تواریخ و گزارش‌های دیپلماتیک خارجی تمایل دارند بر سیاست‌های عالی و بر شاه، شاهزادگان یا حاکمان تمرکز کنند، سایر چهره‌هایی که ممکن است در سطح محلی تأثیر بیشتری داشته‌اند، نادیده گرفته می‌شوند.

منابعی مانند فرمان‌ها و عریضه‌ها نیز به‌ویژه برای کشف چگونگی شکل‌دهی فشارهای اجتماعی، اقتصادی و حتی زیست‌محیطی محلی به حکومت مفید هستند. برای روشن کردن مطلب، ارزش دارد که به مثالی که قبلاً به‌طور خلاصه ذکر شد، بیشتر پرداخته شود: فرمانی از تابستان ۱۸۰۵ که توسط فتحعلی‌شاه صادر شد، به کلب‌علی‌خان و سایر حاکمان آذربایجان بزرگ



دستور داد تا انبارهای غله را به درستی مدیریت کنند و هرگونه «یاغی یا تحریک کننده» (متمردین) را مجازات کنند.

خواندن دقیق فرمان نشان می‌دهد که به احتمال زیاد در پاسخ به عریضه‌ای از مردم محلی صادر شده است. در فرمان، شاه توضیح می‌دهد که شنیده است که حضور نیروهای قاجار که در خارج از تبریز و در میانه جنگ با روسیه مستقر بودند، منجر به مصرف ۱۰۰۰ خروار غله اضافی در روز شده است.<sup>۹۲</sup> شاه در ادامه بیان می‌کند که می‌داند که مقدار زیادی غذای مصرف شده باعث «خرابی» در منطقه و «باری فراتر از توان مردم» (باری بود فوق طاقت ایشان) شده است.<sup>۹۳</sup> دستور ذخیره کارآمدتر غله و مجازات کسانی که شورش می‌کنند ممکن است مشکل را حل نکرده باشد و ممکن است تسلی برای ساکنان منطقه فراهم نکرده باشد؛ اما نشان می‌دهد که چگونه شرایط محلی، حتی در مکان‌های دورافتاده، می‌تواند مورد توجه حاکمان قاجار قرار گیرد و تصمیمات آنها را شکل دهد.

اما یک رویکرد جامعه‌محور به تاریخ سیاسی چیزی فراتر از تاریخ اجتماعی یا آگاهی از چگونگی تأثیر فشارهای اجتماعی بر سیاست است. همچنین باید مبتنی بر مجموعه‌ای گسترده از پرسش‌ها باشد - مانند اینکه چه کسانی در دولت خدمت می‌کردند، چرا انتخاب می‌شدند و پیوندهای آنها با یکدیگر چگونه بود؟ - که هدف آنها روشن کردن چگونگی عملکرد واقعی دولت است. چگونه روابط سیاسی در طول زمان شکل گرفتند، تکامل یافتند و از هم پاشیدند؟ چه نیروهای اجتماعی به حفظ اقتدار سیاسی کمک کردند؟ اینها سؤالاتی هستند که در تاریخ قاجار به خوبی درک نشده‌اند و مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی می‌توانند نور قابل توجهی بر آنها بتابانند.

راه دوم و روشی که تاریخ ایران از منابعی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و دیگر متون قدیمی به عنوان آرشیو استفاده می‌کند، بررسی ماهیت دولت‌های ایران پیش از دوره مدرن است. مکاتباتی همچون فرمان‌ها و عریضه‌ها می‌توانند به سؤالات تاریخی گسترده‌تری پاسخ دهند، از جمله این که آیا دولت تنها مجموع نهادهای سیاسی و ادارات بوروکراتیک بود، یا این که روابط غیررسمی و شخصی نیز وجود داشت که به حفظ حکومت کمک می‌کرد؛ رابطه بین مرکز و پیرامون چگونه بود؟ سطوح محلی، ایالتی و مرکزی اقتدار چگونه با یکدیگر تعامل داشتند؟ تا به امروز، بیشتر پژوهش‌هایی که به این سؤالات در تاریخ ایران پرداخته‌اند، به مجموعه‌ای سنتی از منابع متکی بوده‌اند: تواریخ، تاریخ‌های محلی، سفرنامه‌ها و گزارش‌های دیپلماتیک خارجی. مکاتباتی مانند آنچه در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی یافت می‌شود، دیدگاه‌های غنی و متفاوتی ارائه می‌دهد.<sup>۹۴</sup> به عنوان مثال، هر دو دست‌نوشته شواهد فراوانی نه تنها برای وجود مراکز و پیرامون‌های سیاسی متعدد، بلکه برای ماهیت چندجهت‌مکاتبات ارائه می‌دهند. مکاتبات نه تنها بین مرکز و پیرامون، بلکه بین پیرامون‌ها نیز ردوبدل می‌شد؛ بنابراین نمونه‌های متعددی از نامه‌ها، برای مثال، بین قدیمی، مستقر در بروجرد (در غرب ایران) و قائم مقام، در تبریز در مورد مسائل مختلف سیاسی ردوبدل می‌شد.<sup>۹۵</sup>

استفاده از فرمان‌ها و عریضه‌ها برای بررسی سؤالات مربوط به شکل و عملکرد دولت،

- (۱۳۸۴). چاپخانه‌ها و راه‌های چاپاری در ایران. تهران: هیرمند، ص ۳.
۷۲. علاوه بر پیام‌رسان‌های سواره، از واگن‌ها (مکاری) و کاروان‌ها نیز برای حمل پیام‌ها استفاده می‌شد. برای بحث و تصاویر مربوط به سایر وسایل نقلیه مورد استفاده، به همان منبع: ج اول، صص ۸-۹. بنگرید.
۷۳. همان منبع: ج اول، صص ۲-۹.
۷۴. این سیستم به تدریج در اواخر قرن نوزدهم کنار گذاشته شد و با ارتباط تلگرافی جایگزین گردید. برای اطلاعات بیشتر در مورد توسعه تلگراف، بنگرید به: Rubin, M. A. (1999). The formation of modern Iran, 1858-1909: Communications, telegraph and society [Unpublished doctoral dissertation]. Yale University.
8. Floor, W. (2001). The Chapar-Khāna system in Qajar Iran. Iran, 39, 258.
۷۵. دست‌نوشته مجلس
۷۶. برگ‌های ۲۶ و ۲۸
- پ، ۳۲ و ۴۲ و ۴۳
۷۷. همان: برگ ۲۸ پ.
۷۸. همان: برگ ۲۶ ر.
۷۹. عضدالدوله، احمدمیرزا، (۱۳۷۶). تاریخ عضدی. (عبدالحسین نوابی، کوشش گر). تهران: علم، صص ۱۷-۱۸ و ۲۷.
۸۰. Morier, A., ۱۸۱۴: ۹۵.
۸۱. همان: ۹۶.
۸۲. قائم مقام: ۸۵-۸۶.
83. Hoffman, A., & Cole, P. (2011). Sacred trash: The lost and found world of the Cairo Geniza. New York: Schocken Books.
84. Stoler, "Colonial

Archives and the Arts of Governance": 102-103. 85. Fragner, "Farmān;" Encyclopædia Iranica; Multiple authors, "Farmān," Encyclopædia of Islam. Second Edition ۸۶. در این مورد بنگرید به: Allouche, A. (1990). "Tegüder's ultimatum to Qalawun". International Journal of Middle East Studies, 22(4), 437-446. Melvin-Koushki, M. (2011). "The delicate art of aggression: Uzun Hasan's fathnama to Qaytbay of 1469". Iranian Studies, 44(2), 197-200. ۸۷. برای نمونه به دست‌نوشته مجلس ۸۵۵۲، برگ‌های ۷-۲ بنگرید به: 88. Werner, C. (n.d.). An Iranian town in transition. Matthee, R. (2005). The pursuit of pleasure: Drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900. Princeton: Princeton University Press. Ekbal, K. (1977). Der Briefwechsel Abbas Mirzas mit dem britischen Gesandten MacDonald Kinneir im Zeichen des zweiten russisch-per-sischen Krieges (1825-1828). Freiburg im Breisgau: Schwarz. ۸۹. در شاید مهم‌ترین وقایع‌نامه آذربایجان در اوایل دوره قاجار کلب‌علی‌خان فقط گذرا ظاهر می‌شود. بنگرید به: دنبلی، عبدالرزاق بیگ دنتلی (مفتون). (۱۳۸۴). مائزلسلطانیه. (فیروز منصور، کوشش‌گر). تهران: مؤسسه اطلاعات، صص ۹۳ و ۱۰۰. ۹۰. دست‌نوشته مجلس ۳۳۱، برگ‌های ۲۵ پ-۲۶. ۹۱. دست‌نوشته مجلس ۸۵۵۲، برگ‌های ۲-۷.

هنگامی که با درک سیاست‌ها و رویه‌های حکومت ترکیب شود، درنهایت به پایه بهتری برای مقایسه بین ایران و سایر مناطق جهان منجر خواهد شد. برای مثال، بحث‌های علمی در مورد تاریخ امپراتوری‌ها را در نظر بگیرید: امپراتوری‌ها چگونه جمعیت‌های خود را تنظیم، کنترل و مدیریت می‌کردند؟ چرا امپراتوری‌ها ظهور کردند و چرا سقوط کردند؟ چه چیزی یک امپراتوری را به یک امپراتوری تبدیل می‌کند؟ اینها و سایر سؤالات مشابه، بخش‌های بزرگی از حرفه تاریخ را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با این حال، حکومت‌هایی که بر ایران حاکم بودند، اغلب به‌طور آشکار از این مباحث کنار گذاشته شده‌اند.<sup>۹۶</sup> حتی امپراتوری صفوی که معمولاً همراه با امپراتوری‌های عثمانی و مغول به عنوان نمونه‌ای از امپراتوری‌های باروتی اوایل مدرن جهان اسلام دسته‌بندی می‌شود، گاهی اوقات در تحلیل‌های تطبیقی امپراتوری‌ها نادیده گرفته می‌شود.<sup>۹۷</sup> قاجارها به نوبه خود عموماً از مجموعه امپراتوری‌ها حذف می‌شوند.<sup>۹۸</sup> درحالی‌که دلایل این وضعیت بسیار زیاد است که در اینجا به آنها پرداخته شود، بخشی از توضیح باید در این واقعیت نهفته باشد که مطالعات کمتری در مورد دولت‌های صفوی یا قاجار نسبت به سایر امپراتوری‌های قابل مقایسه وجود دارد. برای رفع این عدم تعادل، ما به درک قوی‌تری از چگونگی حکومت صفویان و قاجارها - یا سایر دولت‌ها - نیاز داریم. مکاتبات، مانند فرمان‌ها و عریضه‌ها، منابع بسیار مفیدی برای این سؤال هستند و باید برای تکمیل منابع سنتی مورداستفاده قرار گیرند.<sup>۹۹</sup>

یکی از آخرین حوزه‌های تاریخ ایران که می‌تواند از بررسی دقیق‌تر مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی بهره‌مند شود، مطالعه گردش اخبار و اطلاعات است. درحالی‌که تحقیقات محدودی در زمینه تاریخ مسیرهای پستی در ایران انجام شده است، اما نحوه انتشار اخبار و اطلاعات، نوع اخبار و اطلاعاتی که پخش می‌شد و اینکه این روند چه چیزی درباره روابط داخلی ایران و ارتباطات آن با سایر نقاط جهان به ما می‌گوید، هنوز به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نگرفته است. در مقابل، تاریخ‌نگاران دیگر مناطق با استفاده از مکاتبات به تحلیل مسائل مختلف پرداخته‌اند، از جمله چگونگی ایجاد اعتماد میان بیگانگان، تسهیل تجارت‌های دوردست و گسترش نوع جدیدی از دانش.<sup>۱۰۰</sup> اطلاعات دقیق و قابل اعتماد همچنین برای حکام سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار بود.<sup>۱۰۱</sup> فرمان‌ها و عریضه‌ها می‌توانند در روشن کردن این ابعاد از تاریخ ایران کمک شایانی کنند.

## ۶. نتیجه‌گیری

با معرفی دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی و پاسخ به سؤالاتی چون اینکه چه کسانی این منابع را گردآوری کرده‌اند و به چه دلیلی، چگونه منابع موجود در آن‌ها منتشر شده است و این انتشار چه چیزی درباره ایران قاجاری به ما می‌آموزد، این مقاله فراخوانی برای مطالعات بیشتر در زمینه حکومت‌داری و شیوه‌های سیاسی در دوره قاجار بود. فرمان‌ها و عریضه‌ها منابع کلیدی به شمار می‌آیند؛ زیرا شواهد مستقیمی از سیستم حکومتی فراهم می‌آورند. اگرچه این مجموعه‌ها



نسخه‌هایی از منابع اصلی هستند و به همین دلیل ممکن است در ارائه اطلاعات دقیق در خصوص مهرها و امضاها محدودیت‌هایی داشته باشند، اما با توجه به این محدودیت‌ها، می‌توانند به عنوان مبنای محکمی برای بررسی روابط میان دولت و جامعه، شیوه‌های حکمرانی حاکمان و دلایل اتخاذ چنین شیوه‌هایی مورد استفاده قرار گیرند.

#### منابع: فارسی

- اسناد دست‌اول منتشرشده

- افضل‌الملک، غلامحسین میرزا، (بی‌تا). کراسه‌المعی. دست‌نوشته‌های ۹۴۵۱، ۹۴۵۲، ۹۴۵۳، ۹۴۵۴، ۹۴۵۵، کتابخانه مجلس، تهران. این مورد به چهار دست‌نوشته (دست‌نوشته‌های ۹۴۵۱، ۹۴۵۲، ۹۴۵۳، ۹۴۵۴) اشاره دارد که همگی بخشی از «کراسه‌المعی» نوشته غلامحسین میرزا افضل‌الملک هستند. «بی‌تا» به معنی «بدون تاریخ» است و نشان می‌دهد که تاریخ نگارش دست‌نوشته‌ها مشخص نیست. این دست‌نوشته‌ها در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می‌شوند.

- میرزاعلی‌بیگ، (بی‌تا). سواد فرامین سلاطین و امرای حکام. دست‌نوشته ۳۳۱. کتابخانه مجلس، تهران. این مورد به یک دست‌نوشته (دست‌نوشته ۳۳۱) اشاره دارد که توسط میرزاعلی‌بیگ نوشته شده است. عنوان دست‌نوشته «سواد فرامین سلاطین و امرای حکام» را می‌توان به «پیش‌نویس فرامین پادشاهان و امیران حاکم» ترجمه کرد. بازهم «بی‌تا» نشان می‌دهد که تاریخ دست‌نوشته مشخص نیست. این دست‌نوشته در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می‌شود.

- قدیمی، میرزاعلی‌خان. (بی‌تا). مجموعه مراسلات و فرمان‌ها و مکاتیب دوره قاجار. دست‌نوشته ۸۵۵۶، کتابخانه مجلس، تهران. این مورد مربوط به یک دست‌نوشته (دست‌نوشته ۸۵۵۶) است که «مجموعه مراسلات و فرمان‌ها و مکاتیب دوره قاجار» نوشته میرزاعلی‌خان قدیمی است. «بی‌تا» دوباره به تاریخ نامشخص اشاره دارد. این دست‌نوشته در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می‌شود.

- منابع دست‌اول منتشرشده به زبان فارسی

#### کتاب‌ها

- افضل‌الملک، غلامحسین میرزا، (۱۹۸۲). افضل‌التواریخ. (منصوره اتحادیه نظام مافی و سیروس سعدوندیان، کوشش‌گران). تهران: نشر تاریخ ایران. - دنیلی، عبدالرزاق بیگ «مفتون». (۲۰۰۵). مآثر سلطانیه. (فیروز منصور، کوشش‌گر). تهران: مؤسسه اطلاعات.

- دنیلی، عبدالرزاق بیگ «مفتون». (۱۹۶۳). تذکره نگارستان دارا. (عبدالرسول خیام‌پور، کوشش‌گر). تبریز: کتابفروشی تهران.

- اعتضادالسلطنه، علی‌قلی میرزا، (۱۹۹۱). اکسیرالتواریخ. (جمشید کیانفر، کوشش‌گر). تهران: ویسمین. - رجب‌زاده، هاشم و کینچی اورا. (ویراستاران). (۱۹۹۹). شصت سند فارسی از دوره قاجار: معاملات اراضی کشاورزی. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

- رجب‌زاده، هاشم، و کوچی هانهدا. (ویراستاران). (۱۹۹۷). پنجاه‌وپنج سند فارسی از دوره قاجار. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

- رضایی، امید. (۱۳۸۷). ش. ۹ / ۲-۸-۲۰. درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

- شیرازی، میرزافضل‌الله «خاوری». (۲۰۰۱). تاریخ ذوالقرنین. (نصیر افشارفر، کوشش‌گر). ج. ۲. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- عضدالدوله، احمد میرزا قاجار (۱۹۹۷). تاریخ عضدی. (عبدالحسین نوایی، کوشش‌گر). تهران: علم. کتاب «تاریخ عضدی».

- قائم‌مقام، میرزا ابوالقاسم. (۱۹۵۸). منشآت قائم‌مقام. (جهانگیر قائم‌مقامی، کوشش‌گر). تهران: کتابخانه ابن‌سینا.

- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۹۸۹). اسناد و فرامین منتشرشده قاجاری. لندن: کانون کتاب لیمیتد.

- گاوران، عمادالدین محمود. (۲۰۰۲). مناظرالانشاء. (معموصه معدن‌کن، کوشش‌گر). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- مستوفی، عبدالله. (۱۹۶۴). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار.

- ناشناس. (۱۹۹۲). فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار (جلد اول: ۱۲۱۱-۶ ه. ق.). تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

- نائینی، فروغ، میرزا محمد. (۱۹۹۸). سفینه‌الفرامین (سفینه‌الانشاء): مجموعه منشآت و مکاتیب میرزا محمد منشی نائینی (فروغ). (کوشش‌گر: محمد گلبن). خرم‌آباد: پیغام.

- نصیری، محمد رضا. (۱۹۸۷). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: قاجاریه. ج. ۴. تهران: انتشارات کیهان.

- نصیری، محمد رضا، ویراستار (۱۹۸۸). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: «دوره افشاریه». رشت: جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان.

- نوایی، عبدالحسین. (۱۹۸۹). نادرشاه و بازماندگانش: همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری. تهران: زرین.

- نوایی، عبدالحسین، ویراستار (۱۹۶۳). اسناد و مکاتبات تاریخ ایران: از تیمور تا شاه اسماعیل. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

#### مقالات

- اصیلی، سوسن. (۱۳۸۱ ش/ ۲۰۰۲). «ده فرمان از عصر فتحعلی‌شاه». تاریخ، ش. ۳، صص ۱۱-۹۱.

- عبداللهی، عبدالله. (بهمن- اسفند ۱۳۷۰ ش. / ژانویه ۱۹۷۲). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۳۷، صص ۲۸۴-۲۷۷.

- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (آذر-دی ۱۳۴۹ ش. / نوامبر ۱۹۷۰). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۲۹، صص ۱۹۰-۱۷۷.

- کی، محمود. (آذر-دی ۱۳۴۹ ش. / نوامبر ۱۹۷۰). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۲۹، صص ۱۷۶-۱۵۳.

- کی، محمود. (مرداد- شهریور ۱۳۵۰ ش. / ژوئیه ۱۹۷۱). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۳۱، صص ۱۹۲-۱۷۷.

۹۲. برای ارائه تصویری از باری

که توسط افزایش مصرف

ایجاد شده است، یک خروار

تقریباً برابر با ۳۰۰ کیلوگرم یا

یک سوم تن است؛ بنابراین

۱۰۰۰ خروار بیش از ۳۰۰

تن خواهد بود. برای اطلاعات

بیشتر در مورد اوزان و

مقیاس‌ها بنگرید به:

Lambton, A. K. S. (1953).

Landlord and peasant in

Persia: A study of land

tenure and land revenue

administration (pp. 406-

409). London: Oxford

University Press.

۹۳. دست‌نوشته مجلس

۳۳۱، برگ ۲۳ ر.

۹۴. برای مطالعه‌ای در

این زمینه، به مقاله کالین

میچل بنگرید که از مکاتبات

به عنوان راهی برای خروج از

برداشت‌های وپیری از دولت

صغوی استفاده می‌کند:

\*Provincial Chancelleries

and Local Lines of Au-

thority in Sixteenth-Cen-

tury Safavid Iran. Oriente

Moderno 88/2

(۲۰۰۸). ۷-۴۸۳-۵.

۹۵. برای نمونه، به

دست‌نوشته مجلس ۸۵۵۲،

برگ‌های ۱۴ پ و ۳ پ

بنگرید.

۹۶. یک کتاب اخیر که تلاش

می‌کند امپراتوری‌ها را در فضا

و زمان مقایسه کند، به ندرت

به امپراتوری صفوی (یا هر

امپراتوری در جهان ایران)

اشاره می‌کند. بنگرید به:

Burbank, J., & Cooper,

F. (2010). Empires in

world history: Power and

the politics of difference.

Princeton: Princeton

University Press.

کتاب اخیر دیگر یک فصل،

توسط استفان بلیک، دارد که

در مورد امپراتوری صفوی در

- کنار امپراتوری‌های عثمانی و مغول بحث می‌کند. بنگرید به: Bayly, P. F. B., & Bayly, C. A. (Eds.). (2011). *Tributary empires in global history*. New York: Palgrave Macmillan.
۹۷. در این مورد بنگرید به: Matthee, R. (2010). "Was Safavid Iran an empire?", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 53(1-2), 233-265.
۹۸. با این حال، برخی از نویسندگان اخیر تصمیم گرفته‌اند که ایران قاجار را یک امپراتوری بنامند. بنگرید به: Khazeni, A. (2009). *Tribes and empire on the margins of nineteenth-century Iran*. Seattle: University of Washington Press.
- Gustafson, J. M. (2015). *Kirman and the Qajar empire: Local dimensions of modernity in Iran, 1794-1914*. London: Routledge.
۹۹. برای استدلالی مشابه، بنگرید به: Ghareghlou: 428. Trivellato, F. (2009). *The familiarity of strangers: The Sephardic diaspora, Livorno, and cross-cultural trade in the early modern period*. New Haven: Yale University Press.
- Sood, G. (2016). *India and the Islamic heartlands: An eighteenth-century world of circulation and exchange*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Aslanian, S. D. (2011). *From the Indian Ocean to the Mediterranean: The global trade networks of Armenian merchants from New Julfa*. Berkeley: University of California Press.
- Ker Porter, Sir Robert. (1821). *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia: During the Years 1817, 1818, 1819, and 1820*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown.
- Morier, James. (1812). *A Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, in the Years 1808 and 1809*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme, Brown, and Green.
- Todua, Magali, and Ismail K. Shams, eds. (1989). *Tbilisskaia kollektsiia persidskikh firmanov = The collection of Persian firms of Tbilisi*. 2 vols. Tbilisi: Tsentral'nyi Gosudarstvennyi Istoricheskii Arkhiv.
- Books**
- 'Abdullifard, Farīdūn. (2005). *Chāpārkhānā hā va Rāh hā-yi Chāpārī dar Irān*. Tehran: Hirmand.
- Afshar, Iraj. (2003). *Maktūb and Majmū'a: Essential Sources for Safavid Research*. In *Society and Culture in the Early Modern Middle East: Studies on Iran in the Safavid Period*. Leiden: Brill: (pp.51-61).
- Amanat, Abbas. (2008). *Pivot of the Universe: Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy, 1831-1896*. 2nd ed. New York: I.B. Tauris.
- 'Āqilī, Bāqir. (2001). *Sharh-i Ḥāl-i Rijāl-i Siyāsī va Niẓām-i Mu'āshir-i Irān*. 6 vols. Tehran: Nashr-i Guftār.
- Aslanian, Sebouh D. (2011). *From the Indian Ocean to the Mediterranean: The Global Trade Networks of Armenian Merchants from New Julfa*. Berkeley: University of California Press.
- Bang, Peter Fibiger and C.A. Bayly. (2011). *Tributary Empires in Global History*. New York: Palgrave Macmillan.
- Bayly, C.A. (1996). *An Empire of Information: Political Intelligence and Social Communication in North India, C 1780-1880*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bournoutian, George A. (1982). *Eastern Armenia in the Last Decades of Persian Rule, 1807-1828*. Malibu, Calif.: Undena Publications.
- Burbank, Jane and Frederick Cooper. (2010). *Empires in World History: Power and the Politics of Difference*. Princeton: Princeton University Press.
- Busse, Heribert. (1959). *Untersuchungen zum Islamischen Kanzleiwesen an Hand turkmenischer und safawidischer Urkunden*. Cairo: Kommissionsverlag Sirović Bookshop.
- Crews, Robert D. (2006). *For Prophet and Tsar: Islam and Empire in Russia and Central Asia*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- Dover, Paul M. (2016). *Introduction: The Age of Secretaries. In Secretaries and Statecraft in the Early Modern World*. Edinburgh: Edinburgh University Press: (pp.1-15).
- Ekbāl, Kamran. (1977). *Der Briefwechsel Abbas Mirzas mit dem britischen Gesandten MacDonald Kinneir im Zeichen des zweiten russisch-persischen Krieges (1825-1828)*. Freiburg im Breisgau: Schwarz.
- Geertz, Clifford. (2000). "Thick Description: Toward an Interpretive Theory of Culture". In *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books
- Floor, Willem. (1983). *Change and Development in the Judicial System of Qajar Iran (1800-1925)*. In *Qajar Iran: Political, Social, and Cultural Change, 1800-1925*. Edinburgh: Edinburgh University Press: (pp.113-47).
- Gustafson, James M. (2015). *Kirman and the Qajar Empire: Local Dimensions of Modernity in Iran, 1794-1914*. London: Routledge.
- Hallaq, Wael B. (2009). *An Introduction to Islamic Law*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Hambly, Gavin. (1991). *Iran During the Reigns of Fath 'Alī Shāh and Muhammad Shāh*. In Peter Avery, Gavin Hambly, and Charles Melville (Eds.). *The Cambridge History of Iran*. vol. 7. Cambridge: Cambridge University Press: (pp.144-173).
- Hoffman, Adina and Peter Cole. (2011). *Sacred Trash: The Lost and Found World of the Cairo Geniza*. New York: Schocken Books.
- Khazeni, Arash. (2009). *Tribes and Empire on the Margins of Nineteenth-Century Iran*. Seattle: University of Washington Press.
- Kitābkhāna-yi Majlis-i Shūrā-yi Milli (Irān). (1996). *Ta'rikhcha-yi Kitābkhāna-yi Majlis, Avvalin Kitābkhāna-yi Rasmī-yi Kishvar*. Tehran: Kitābkhāna, Mūza, va Markaz-i Asnād-i Majlis-i Shūrā-yi Islāmī.
- Kondo, Nobuaki. (2017). *Islamic Law and Society in Iran: A Social History of Qajar Tehran*. London and New York: Routledge.
- Kondo, Nobuaki. (2014). "The Lives of Qabālahs: Annotation, Transcription and Registration of Documents in Early Modern Iran". In *Lecteurs et copistes dans les traditions manuscrites iraniennes, indiennes et centrasiatiques*. *Eurasian Studies* 12: (pp. 561-575).
- Lambton, Ann K.S. (1953). *Landlord and Peasant in Persia: A Study of Land Tenure and Land Revenue Administration*. London: Oxford University Press.
- Lambton, Ann K.S. (1987). *Social Change in Persia in the Nineteenth Century. In Qajar Persia: Eleven Studies*. London:



California Press.  
Yale, E. (2016). *Sociable knowledge: Natural history and the nation in early modern Britain*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.  
101. Bayly, C. A. (1993). "Knowing the country: Empire and information in India". *Modern Asian Studies*, 27(1), 3-43.  
Bayly, C. A. (1996). *An empire of information: Political intelligence and social communication in North India, c. 1780-1880*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Tauris: (pp.194-222).
- Mahdavi, Shireen. (1999). *For God, Mammon, and Country: A Nineteenth-Century Persian Merchant, Haj Muhammad Hassan Amin Al-Zarb (1834-1898)*. Boulder, Colo.: Westview Press.
- Matthee, Rudi. (2005). *The Pursuit of Pleasure: Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500-1900*. Princeton: Princeton University Press.
- Moin, A. Azfar. (2012). *The Millennial Sovereign: Sacred Kingship and Sainthood in Islam*. New York: Columbia University Press.
- Mottahedeh, Roy. (2001). *Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society 2nd ed*. London and New York: I.B. Tauris.
- Najmabadi, Afsaneh. (2005). *Women with Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Paul, Jürgen. (2018). "Archival Practices in the Muslim World Prior to 1500". In *Manuscripts and Archives: Comparative Views on Record-Keeping*. Berlin and Boston: De Gruyter: (pp.339-360).
- Poole, Reginald Stuart. (1887). *The Coins of the Shāhs of Persia, Safavis, Afghāns, Efsḥāris, Zands, and Kājārs*. London: British Museum.
- Qā'im-Maqāmī, Jahāngīr. (1971). *Muqaddama 'I bar Shinākht-i Asnād-i Tārīkhī*. Tehran: Anjuman-i Āsā r-i Millī.
- Rabino, Hyacinth Louis. (1945). *Album of Coins, Medals, and Seals of the Shāhs of Irān, 1500-1948*. Hertford, England: S. Austin and Sons.
- Sām, 'Alī. (2013). *Bar' risi-yi Farmān Nivīsī-yi Dawra-yi Avval-i Qājār*. Tehran: Intishārāt-i Kilk-i Zarrīn.
- Sefatgol, Mansur. (2003). Majmū'ah 'hā: Important and Unknown Sources of Historiography of Iran during the Late Safavids: The Case of Majmū'ah-i MirzāMu ṭnā. In *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth to Nineteenth Centuries*. London: Routledge: (pp.103-115).
- Schneider, Irene. (2005). Religious and State Jurisdiction during Nāsir Al-Dīn Shāh's Reign. In *Religion and Society in Qajar Iran*. London: Routledge: (pp.84-110).
- Sood, Gagan. (2016). *India and the Islamic Heartlands: An Eighteenth-Century World of Circulation and Exchange*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Trivellato, Francesca. (2009). *The Familiarity of Strangers: The Sephardic Diaspora, Livorno, and Cross-Cultural Trade in the Early Modern Period*. New Haven: Yale University Press.
- Werner, Christoph. (2003). Formal Aspects of Qajar Deeds of Sale. In *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth to Nineteenth Centuries*. London: Routledge: (pp.13-49).
- Werner, Christoph. (2000). *An Iranian Town in Transition: A Social and Economic History of the Elites of Tabriz, 1747-1848*. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Yale, Elizabeth. (2015). *The History of Archives: The State of the Discipline*. Book History 18: (pp. 332-59).
- Yale, Elizabeth. (2016). *Sociable Knowledge: Natural History and the Nation in Early Modern Britain*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

#### Articles

- Alam, Muzaffar and Sanjay Subrahmanyam. (2004). "The Making of a Munshi". *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 24/2: 61-72.
- Allouche, Adel. (1990). "Tegüder's Ultimatum to Qalawun". *International Journal of Middle East Studies*, 22/4: 437-46.
- Arjomand, Said. (2005). Political Ethic and Public Law in the Early Qajar Period. In *Religion and Society in Qajar Iran*. New York: Routledge: 21-40.
- Ashraf, Assef. (2019). "A Familial State: Elite Families, Ministerial Offices, and the Formation of Qajar Iran". *International Journal of Middle East Studies*, 51/1: 43-64.
- Bayly, C.A. (1993). "Knowing the Country: Empire and Information in India". *Modern Asian Studies*, 27/1: 3-43.
- Brooks, Willis. (1995). "Russia's Conquest and Pacification of the Caucasus: Relocation Becomes a Pogrom in the Post-Crimean War Period". *Nationalities Papers*, 23/4: 675-86.
- Chann, Naindeep Singh. (2009). "Lord of the Auspicious Conjunction: Origins of the Şāḥib-Qirān". *Iran and the Caucasus*, 13/1: 93-110.
- Floor, Willem. (2001). The Chapar-Khāna System in Qajar Iran. *Iran*, 39: 257-291.
- Gurney, John D. (1983). "A Qajar Household and Its Estates". *Iranian Studies*, 16/3-4: 137-76.
- Herzig, Edmund M. (1992). "The Volume of Iranian Raw Silk Exports in the Safavid Period". *Iranian Studies*, 25/1-2: 61-79.
- Kinra, Rajeev. (2010). "Master and Munshi: A Brahman Secretary's Guide to Mughal Governance". *Indian Economic & Social History Review*, 47/4: 527-61.
- Mahdavi, Asghar. (1983). "The Significance of Private Archives for the Study of the Economic and Social History of Iran in the Late Qajar Period". *Iranian Studies*, 16/3-4: 243-78.

- Matthee, Rudi. (2010). "Was Safavid Iran an Empire?" *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 53/1-2: 233-65.
- Melvin-Koushki, Matthew. (2011). "The Delicate Art of Aggression: Uzun Hasan's Fathnama to Qaytbay of 1469". *Iranian Studies*, 44/2: 193-214.
- Meredith, Colin. (1971). "Early Qajar Administration: An Analysis of Its Development and Functions". *Iranian Studies*, 4/2-3: 59-84.
- Mitchell, Colin. (1997). "Safavid Imperial Tarassul and the Persian Inshā' Tradition". *Studia Iranica*, 26/2: 173-209.
- Mitchell, Colin. (2008). "Provincial Chancelleries and Local Lines of Authority in Sixteenth-Century Safavid Iran". *Oriente Moderno*, 88/2: 483-507.
- Mudarrisi Ṭabāṭabā'ī, Ḥusayn. (1366 Sh. / 1987-88). *Divān-i Maẓālim. Farhang-i Irān- Zamīn*, 27: 98-118.
- Peirce, Leslie. (2009). "Writing Histories of Sexuality in the Middle East". *The American Historical Review*, 114/5: 1325-39.
- Pollmann, Judith. (2016). "Archiving the Present and Chronicling for the Future in Early Modern Europe". *Past & Present*, 230/ Supplement 11: 231-52.
- Stoler, Ann Laura. (2002). "Colonial Archives and the Arts of Governance". *Archival Science*, 2/1-2: 87-109.
- Taylor, G.P. (1910). "On the Symbol 'Şāhib-Qirān.'" *Journal & Proceedings of the Asiatic Society of Bengal*, 6/10: 574-80.

#### Dissertations

- Ashraf, Assef. (2016). *From Khan to Shah: State, Society, and Forming the Ties that Made Qajar Iran*. [PhD diss., Yale University].
- Rubin, Michael Allan. (1999). *The Formation of Modern Iran, 1858-1909: Communications, Telegraph and Society*. [Unpublished PhD diss.]. Yale University.